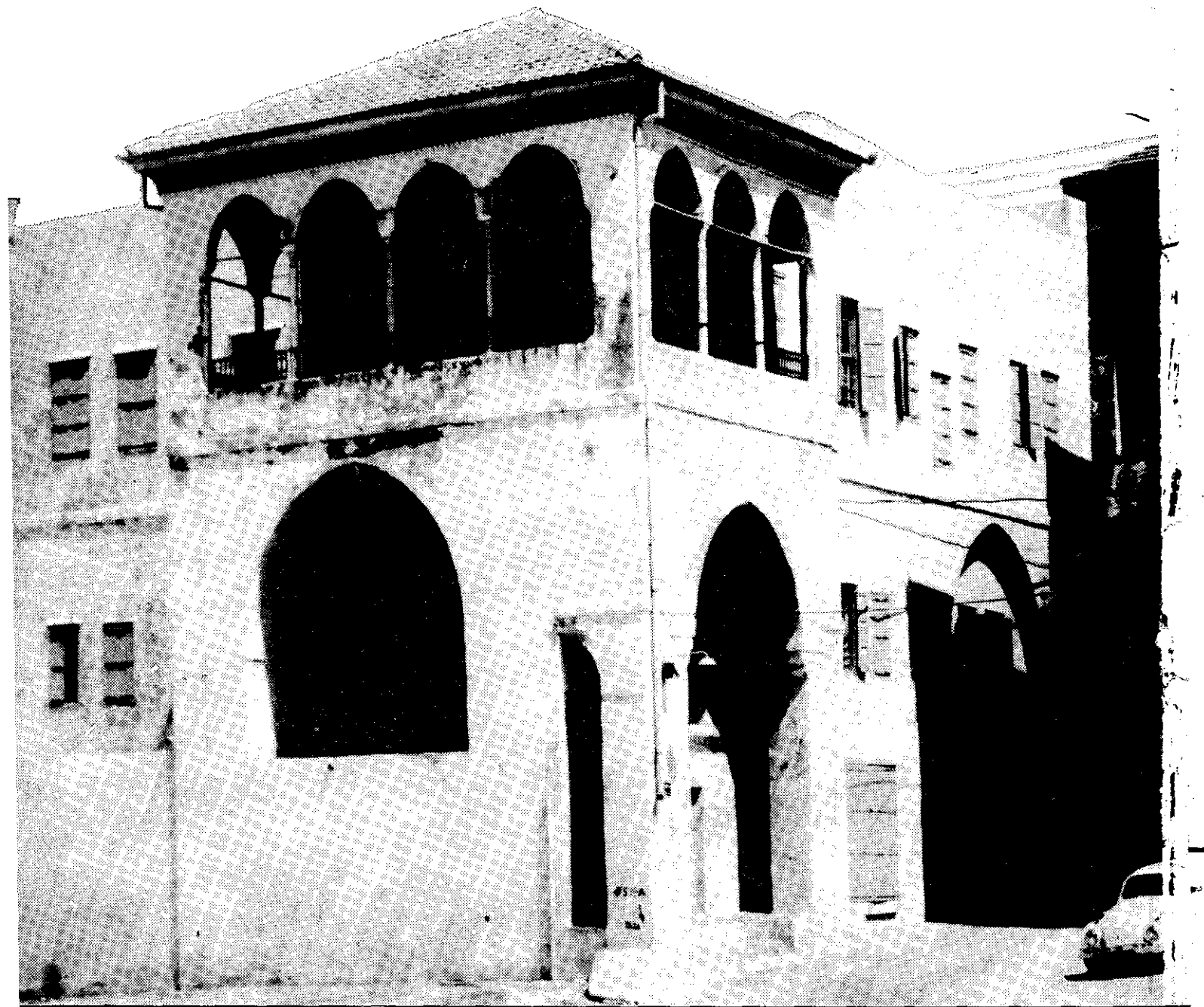


آهنگ بدیع

سال بیست و هشتاد و شش - شماره های ۱ و ۲



« اجبا قطعیا نباید هیچ ضربی داخل شوند و در امور سیاسیہ ما اخله نمایند »

« حضرت عبدالبہاء »

فہرست

صفحہ

- | | |
|----|--|
| ۲ | ۱ - آیاتی از کتاب مستطاب اقدس |
| ۳ | ۲ - ترجمہ قانون اساسی بیت العدل اعظم |
| ۱۹ | ۳ - سرگذشت نزول و انتشار کتاب اقدس |
| ۴۴ | ۴ - اقدس مقدس (شعر) |
| ۴۸ | ۵ - کتاب اقدس |
| ۵۸ | ۶ - درباره کتاب مستطاب اقدس |
| ۷۰ | ۷ - اخبار مصور |
| ۷۴ | ۸ - بمناسبت صدمین سال نزول کتاب مستطاب اقدس (شعر) احمد نیکونژاد (فاضل) |

شماره مخصوص صدمین سال نزول کتاب مستطاب اقدس

آہنگ بدیع

سال
۲۸

روی جلد و صفحہ ۱۸

شمارہای ۱ و ۲

اول شہر البہاء تا پنجم شہر العظمتہ ۱۳۰ بدیع

عکسها : محمد لیب
طرح و تنظیم : آہنگ بدیع

فروردین - اردیہشت ۱۳۵۲

مخصوص جامعہ بہائی است

ان اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وجهه ومطلع

امره الذي كان معتمداً نفسه في عالم الامر واخلق

من فاز به قد فاز بكل الخير والذي منع الله من اهل الفضل

ولو ياتي بكل الاعمال . (آية ١)

اذا فرتم بهذا المقام الاستنى والائق الاعلى ينبغي

لكل نفس ان تتبع ما امر به من لدى المقصود لانهما معا لا يقبل

احدهما دون الآخر هذا ما حكم به مطلع الالهام .

(آية ٢)

كتاب مستطاب اقدس .

ترجمه قانون اساسی

بيت العدل اعظم

شامل

بیان نامہ و نظام نامہ

بسم الله الفرد الواحد المقتدر العليم الحكيم

"النور الساطع من افق سماء العطاء والصلاة المشرقة من مطلع ارادة الله مالك ملكوت الاسماء على الواسطة الكبرى والقلم الاعلى الذى جعله الله مطلع اسمائه الحسنى ومشرق صفاته العليا وبه اشرق نور التوحيد من افق العالم و حكم التفريد بين الامم الذين اقبلوا بوجوه نورا الى الافق الاعلى واعترفوا بما نطق به لسان البهان فى ملكوت العرفان الملك والملكوت والعظمة والجبروت لله المقتدر العزيز الفياض".

باقلوبى طامح از سرور و امتنان شهادت میدهیم بر وفور رحمت الهیه و کمال عدالت ربانیه و تحقق نبوات قدیمه حضرت احدیسه .

حضرت بهاء الله مصدر وحی الهی در این دور افخم و مطلع امر و منشاء عدل و رافع صلح اعظم و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم و منبع الهام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم و مؤلف قلوب و مخفی اعم و داور کردگار و شارع امر پروردگار استقرار ملکوت الله را در بساط خیرا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و موسساتش را ایجاد فرمود . و برای آنکه قوای قدسیه منبعثه از ظهور اعظمش از مجرای صحیح و درجهت مقصود همچنان سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق مبینی را بنیاد نهاد که قوه دفعه اش متناهما در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیز آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبینش بوده و باعث ترقی و تقدم جهانگیر آئین نازنینش گردیده است . و حال همان قوه عظیمه میثاق مقاصد جانفزایش را بواسطه اجراءات بیت العدل اعظم استقرار بخشد . و بیت العدل اعظم که یکی از دو وصی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء است مقصد اعلایش آنکه قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریعه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و وحدت جامعه پیروانش محفوظ گردد و تعالیعش از تصرف و انحراف و تصلب و انجماد مبری و مصون ماند .

حضرت بهاء الله میفرماید :

" دین الله و مذهب الله از برای حفظ و اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است و او را سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضا می نماید . اینست راه مستقیم و اس محکم متین آنچه بر این اساس گذاشته شود حوادث دنیا و او را حرکت ندهد و طول زمان او را از هم نریزند . "

همچنین حضرت عبدالبهاء میفرماید :

" مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی " منشاء " بیت العدل اعظم و سلطه و اختیار و وظائف و دائره اقداماتش کمال منبعث از آیات منزله حضرت بهاء الله است . این آیات با هرات با تہینات و توضیحات مرکز ميثاق و ولی امرالله که بعد از حضرت عبدالبهاء بیگانه مبین منصوص بیانات مقدسه اند کل مجموعاً " مرجع واجب الطاعه و اس اساس بیت العدل اعظم محسوب . مرجعیت و حاکمیت مطلقه و قاطعیت این نصوص مبارکه ثابت و لن بتغیر خواهد بود تا زمانیکه بارادہ الهیه مظهر امرجدیدی در عالم ظاهر شود و در آن بوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد . "

چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امرالله موجود نه ریاست امرالله با بیت العدل اعظم است که معبد اعلی و مرجع اهل بهاء و بالمال مسئول حفظ وحدت و تعمیم ترقی و تقدّم امرالهی است و لاجرم اداره امور و تعشیت خدمات ایادی امرالله و تامین استمرار مسئولیت مخصوصه شان در سبیل صیانت و ترویج امرالله و اتخاذ ترتیب وصول و صرف حقوق الله باین مجمع راجع .

اما وظائف و اختیارات مختصه بیت العدل اعظم : از جمله حفاظت نصوص مقدسه است و صیانتشان از تصرف و تحریف . تجزیه و تفکیک و تنظیم و تنسیق و ربط و تطبیق آیات و آثار مبارکه است و مدافعه و محافظه امر حضرت احدیت و استخلاصش از قیود مقهوریت و مظلومیت .

از جمله ترویج مصالح امرالله است و اعلان و انتشار و تبلیغ دین الله . اتّسع و استحکام موسسات نظم اداری امرالله است و تمهید مقدمات تاسیس نظم بدیع جهان آرای جمال الیهی . همت در تحسین اخلاق و اتّصاف بصفات و کمالات رحمانیه است که مابه الامتیاز حیات فردی و اجتماعی بهائی است و جهد بلیغ در

تقویت مبانی الفت و تفاهم بین اقوام و ملل و استقرار صلح عمومی و مجاهدت در سبیل نورانیت و تهذیب نفوس و ترقی و اصلاح عالم .

از جمله تشریح قوانین و احکام غیر منصوصه است و نسخ و تبدیل آن بمقتضای زمان . توضیح مسائل مبهمه است و عقد شور و اخذ تصمیم در جمیع قضایای مابیه - الاختلاف . حفظ حقوق شخصی و تامین ابتکار و آزادی افراد است و حفظ ناموس نفوس و تحکیم معالک و تعمیر بلاد .

از جمله ترویج و تنفیذ احکام و مبادی امرالله است و صیانت و تعمیم حسن - اخلاق بموجب حدود و احکام نیر آفاق . محافظه و اتساع و ارتقا مرکز دائم الاستقرار روحانی و اداری امرالله در دین و مدینه عکا و حیفاست و اداره امور جامعه یساران در سراسر دنیا . هدایت و تمشیت و توحید مساعی و تحکیم وحدت مجهودات اهل بهاست . ایجاد موسسات لازمه است . اتخاذ تدابیری است در مواظبت از معاهد و تشکیلات امریه که مبادا از مقامات مخصوصه خود تخطی نمایند یا از حقوق و مزایای خویش غفلت ورزند . تمهید و سائلی است جهت وصول و صرف و اداره و حفظ تبرعات و موقوفات و سایر املاکی که تحت اشراف خود دارد .

از جمله فیصله اختلافات مرجوعه است و صدور حکم و تعیین مجازات در موارد کسر حدود و احکام الهیه تدارک و سائل فعاله جهت تنفیذ آراء صادره است و تهیه اسباب حکمیت و حل اختلافات حاصله بین بریه . ترویج و صیانت عدل الهی است که یگانه ضامن امن و امان و استقرار حکومت نظم و قانون در عالم امکان است .

اعضاء بیت العدل اعظم که از قلم اعلی بخطاب " رجال العدل " - " اهل البیها " الذین ذکرهم فی کتاب الاسماء . " - " و کلام الله بین عباد و مطالع الامر فی بلاد " مخاطب گشته اند در جمیع احیان در ایفا و وظائف خویش این بیسان حضرت شوقی افندی ولی امرالله را میزان اتم خویش دانند که میفرماید :

" باید متذکر بود که از بیانات مبارکه حضرت بها " الله صریحا " مستفاد میشود که اعضاء بیت العدل اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و تشریح قوانین لازمه مکمله احکام کتاب اقدس نه مسئول مولکین خویشند و نه محکوم عواطف و آراء عمومی حتی عقاید جمهور مومنین و ناخبین بلکه متضرعا " مبتهلا " از حکم و نسیای

وجدان تبعیت نمایند و برخود فرض و واجب دانند که با اوضاع و احوال جامعه
آشنائی کامل حاصل کنند و قضایای محوله را بدون شائبه غرض غور و ملاحظه نمایند
ولیکن در جمیع احوال اخذ تصمیم بلا قید و شرط راجح مسلم خود دانند - و این
بها ن مبارک حضرت بهاء الله اطمینانی کامل بخشد که میفرماید : " انه یلمهم
ما یشاء " چه که هدایت الهیه که قوه حیات و اعمال کافل صیانت شریعه الله است
شامل حال آن نفوس منتخبه گردد نه نفوسیکه مستقیم یا غیر مستقیم بانتخابشان
پردازند . " (ترجمه)

بیت العدل اعظم نخستین بار یوم اول عید رضوان سنه ۱۲۰ تاریخ بدیع
انتخاب گردید و در آن یوم اعضا محافل روحانیه طبق الواح و صایای حضرت
عبد الهیا بدعوت حضرات ابادی امرا لله حراس اعظم جامعه جنینی جهانسی
حضرت بهاء الله این اکتیل جلیل نظم اداری بهائی را که اصل و طلیعه نظم
بدیع جهان آرای جمال الهی است در عالم وجود استقرار بخشیدند . لهذا
حال ما اعضا بیت العدل اعظم اتباعا لامر الله و متوکلا علیه بر این بهان نامه که
بانضمام نظامنامه ضمیمه معا قانون اساسی بیت العدل اعظم را تشکیل میدهند
صح و مهر مینهیم .

هیوجانس هوشمند فتح اعظم ایما س گیسون دیوید هوفمان
پورا کاولین علی نخجوانی دیوید روح ایان سمبل چارلز ولکات
در مدینه منوره حیفا در چهارم شهر القبول یکصد و بیست و نه تاریخ بدیع مطابق با
بیست و ششم ماه نوامبر ۱۹۷۲ میلادی با مضا رسید .



نظامنامه

بیت العدل اعظم معهد اعلاى نظم اداری جمال ابهی است - نظمی که
خصائص بارزه وسلطه و اختیار ونحوه اقداماتش در آیات نازله وتبیینات منصوصه
بالصراحه معلوم ومشخص گردیده است. این نظم اداری از جهتى مرکب از يك
سلسله هیئتهای منتخبه بین الملی وخصوصی ومحلی است که قوه تشریحیه و
تنفیذیه وقضائیه جامعه بهائی به آن راجع وازجهت دیگرشامل جمعی از نفوس
ممتازة مخلصه است که تحت هدایت مقام ریاست امرالله بايقاف^د و وظیفه مخصوصه
صیانت وترویج امرحضرت بهاءالله منصوب و مامور.

این نظم اداری اصل ونمونه نظم بدیع جهان آرای جمال ابهی است که
بمشیت الهی بنشوء و نمای ذاتی و حرکت جوهریهاش ادامه دهد و طی این نشوء
و ارتقا^د بر وفق تعالیم و نوایای جمال قدم که برای ترقی و اصلاح عالم نازل -
گشته دائره موسساتش اتساع یابد و فروعات متعددش امتداد جوید و متفرعات
تابعهاش ارتفاع گیرد و وظائفش تنوع یابد و اجراءاتش از دیار پذیرد .
ماده اول . عضویت در جامعه بهائی :

جامعه بهائی مرکب از افرادی است که بیت العدل اعظم
آنانرا واجد شرایط لازمه ایمان وعمل بموجب شریعت بهائی شناخته باشد .
بند اول . يك فرد بهائی برای آنکه حائز شرایط راهی دادن وانتخاب
شدن گردد باید بسن بیست ویکسالگی بالغ شده باشد .

بند دوم . حقوق و مزایا و وظائف افراد بهائی عبارتست از آنچه در آن
باره در آثار مبارکه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی
منصوص و در قرارهای بیت العدل اعظم مقرر شده باشد .

ماده دوم . محافل روحانیه محلیه

هر وقت که عده بهائیان ساکن محل معینی که بسن بیست و
يك سالگی بالغ شده باشد از نه نفر تجاوز نماید این اشخاص در اول عیسه
رضوان جمع شده يك هیئت اداری محلی نه نفری را انتخاب نمایند که بنام

محل روحانی بهائیان آن محل موسوم خواهد بود و از آن بعد همه ساله در روز اول عید رضوان محل مزبور را مجدداً انتخاب خواهند نمود و اعضأ محل مدت یکسال و تا وقتیکه قائم مقامان آنان انتخاب شوند بعضرت باقی خواهند بود ولی هرگاه عده بهائیان محلی فقط نه نفر باشد این نفوس در اول عید رضوان تشکیل محفل روحانی خود را مجتمعاً اعلان نمایند .

بند اول . اختیارات و وظائف عمومیه هر محفل روحانی محلی عبارتست از آنچه در آن باره در آثار مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی منصوص و در قرارهای بیت العدل اعظم مقرر شده باشد .

بند دوم . هر محفل روحانی محلی بر جمیع امور و خدمات بهائی محصل خویش طبق اصول مدونه در قانون اساسی محفل روحانی محلی حاکمیت کامل دارد .

بند سوم . حوزه حاکمیت هر محفل روحانی محلی را محفل روحانی ملری بر وفق اصولیکه بیت العدل اعظم برای هر مملکت وضع نماید معین خواهد کرد ماده سوم . محافل روحانیه ملیه .

هرگاه بیت العدل اعظم تصمیم بر تشکیل محفل روحانی ملی در مملکت یا ناحیه ای گیرد افراد جامعه بهائی در آن مملکت یا ناحیه بترتیب و زمانیکه بیت العدل اعظم مقرر دارد مبارزت به انتخاب نمایندگان انجمن شور روحانی ملی خود خواهند نمود این نمایندگان بنوبه خود بر طبق اصول و مقررات قانون اساسی ملی جامعه بهائی هیئتی را مرکب از نه نفر بنام محفل روحانی ملی بهائیان آن مملکت یا ناحیه انتخاب خواهند کرد اعضأ منتخبه بعدت یکسال یا تا زمانیکه قائم مقامان آنان انتخاب شوند بعضویت محفل باقی خواهند بود .

بند اول . اختیارات و وظائف عمومیه محافل روحانیه ملیه عبارتست از آنچه که در آن باره در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء و حضرت شوقی افندی منصوص و در قرارهای بیت العدل اعظم مقرر شده باشد .

بند دوم . محفل روحانی ملی منحصراً دارای حاکمیت و سلطه و اختیار نسبت بکلیه عملیات و شئون جامعه بهائی در سراسر حوزه خود خواهد بود و در

تشویق و توحید و تنظیم اقدامات متنوعه محافل روحانیه محلیه و افراد بهائی در حوزه حاکمیت خود جهد بلیغ مبذول خواهد داشت و آنانرا در ترویج وحدت عالم انسانی بجمیع وسائل ممکنه معاضدت خواهد نمود بعلاوه محفل روحانی ملی هر مملکت در روابط خود با سایر جامعه‌های ملی بهائی عالم وهمچنین بی‌بیت العدل اعظم نمایند. جامعه ملی خویش خواهد بود .

بند سوم . حوزه حاکمیت هر محفل روحانی ملی را بی‌بیت العدل اعظم معین خواهد کرد .

بند چهارم . وظیفه اصلیه انجمن شور روحانی ملی مشورت در اقدامات و نقشه‌ها و خط مشی بهائی و نیز انتخاب اعضاء محفل روحانی ملی اقلیم خویش مطابق قانون اساسی ملی جامعه بهائی خواهد بود .

الف . هرگاه در یکی از سنوات محفل روحانی ملی تشخیص دهد که تشکیل انجمن شور روحانی ملی غیر عملی یا مخالف حکمت است آن محفل تدابیری اتخاذ خواهد کرد تا انتخابات سالانه و سایر امور اصلیه انجمن شور روحانی بنحو مقتضی صورت گیرد .

ب . هرگاه محل یک یا چند نفر از اعضاء محفل روحانی ملی خالی بماند برای تکمیل اعضاء همان نمایندگان انجمن شور روحانی که با انتخاب آن محفل پرداخت نمایند مجدداً ابداء رأی خواهند کرد این آراء بوسیله مکاتبه یا بهر نحو دیگری که محفل روحانی ملی صلاح بداند جمع‌آوری خواهد شد .

ماده چهارم . وظائف اعضاء محافل روحانیه :

از جمله وظائف خطیره مقدسه اعضاء محافل روحانیه که عهده دار تمشیت و هدایت و تنظیم امور امرالله اند آنکه : باید حتی القیوه اعتماد و محبت نفوسی را که بر خد متشان مفتخرند جلب نمایند و نظریات ملحوظه و عواطف عمومیه و اعتقادات شخصیه بهارانی را که بر ترویج مصالح عالیه شان مکلفند تحری کنند و با آن آشنائی یابند و مذاکرات و تمشیت امور عمومیه خویش را بنحوی انجام دهند تا از اینکه شائبه نفرد و کناره جوئی باشد و تهمت استتار پذیرد و فضای اختناق آور تحکم و استبداد در رای را بوجود آورد بکلی پاک و مبری و از هر قول و فعلی که رائجه غرض ورزی و خود خواهی و تعصب از آن استشمام

شود کاملاً فارغ و مقدس باشد و در همین آنکه حق مقدس اتخاذ تصمیم نهائی را برای خود مسلم و محفوظ میدانند باید باب مذاکره و محاوره با افراد جامعه را مفتوح دارند و به گله و شکایات نفوس توجه نمایند و از پیشنهادها و نظریاتشان حسن استقبال کنند و احساس تعاون و تعاضد و شرکت در امور و حسن تفاهم و اعتماد متقابل را بین خود و سایر بهائیان تقویت نمایند .
ماده پنجم . بیت العدل اعظم :

بیت العدل اعظم مرکب از نه نفر عضو از رجال است که شرح ذیل از میان افراد جامعه بهائی انتخاب شده باشند :

بند اول . انتخابات :

اعضاء بیت العدل اعظم بوسیله اعضاء محافل روحانیه ملیه در مؤتمری بنام انجمن شور روحانی بین المللی با ابداء رأی سری انتخاب خواهند گردید الف . انتخابات بیت العدل اعظم هر پنج سال یکبار صورت میگیرد مگر اینکه در این باره بیت العدل اعظم قرارداد دیگری دهد .

اعضاء منتخبه تا زمانیکه قائم مقامان آنان انتخاب نشده و اولین جلسه خود را تشکیل نداده باشند بعضویت باقی خواهند بود .

ب . محافل روحانیه ملیه بعد از آنکه برای شرکت در انجمن شور روحانی بین المللی دعوت گردیدند صورت اسامی اعضاء خود را به بیت العدل اعظم اعلام و ارسال خواهند داشت و تصویب صلاحیت و شرکت نمایندگان در انجمن شور روحانی بین المللی با اختیار بیت العدل اعظم خواهد بود .

ج : وظیفه اصلیه انجمن شور روحانی بین المللی انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم و مشورت در مسائل مربوط به امر بهائی در سراسر عالم و ایصال نظریات و پیشنهادهائی جهت ملاحظه بیت العدل اعظم خواهد بود .
د : جلسات انجمن شور روحانی بین المللی بطریقیکه در هر زمان بیت العدل اعظم معین نماید منعقد خواهد شد .

ه : بیت العدل اعظم برای نمایندگانیکه شخصاً نتوانند در انجمن شور روحانی بین المللی حضور یابند قراری خواهد داد تا بتوانند رأی خود را جهت انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم ارسال دارند .

و : هرگاه بیت العدل اعظم در موقع انتخابات تشخیص دهد که تشکیل انجمن شور روحانی بین الملی غیر عملی و یا مخالف حکمت است در باره طرز اجرای انتخابات تصمیم خواهد گرفت .

ز : در روز انتخاب باید آراء منتخبین رسیدگی و شمرده شود و همیشه نظار که بدستور بیت العدل اعظم معین شده اند آنرا تصدیق نمایند .

ح : اگر یکی از اعضا محفل روحانی ملی که قبلاً رأی خویش را باپست ارسال داشته در فاصله بین اهدا رأی و تاریخ شمردن آراء از عضویت محفل روحانی ملی خارج شده باشد رأی ارسالی او معتبر خواهد بود مگر آنکه در آن فاصله جانشین او انتخاب و رأی عضو جدید به هیئت نظار رسیده باشد .

ط : اگر بعلمت تساوی آراء انتخاب اعضای بیت العدل اعظم در تصویب اول تکمیل نگردد باید بین نفوسیکه آراء مساوی دارند یکبار یا بیشتر اخذ رأی شود تا تمام اعضا بیت العدل اعظم انتخاب گردند و در این انتخابات اضافی انتخاب کنندگان عبارت از اعضا محافل ملیهای خواهند بود که زمان اخذ رأی عضو محفل باشند .

بند دوم . خالی مانده محل عضویت :

محل عضوی در بیت العدل اعظم وقتی خالی میباشد که عضوی از اعضا فوت نماید یا مشمول یکی از مواد ذیل گردد :

الف : هرگاه عضوی از اعضا بیت العدل اعظم گناهی ارتکاب نماید که در حق صوم ضرری حاصل شود در اینصورت بیت العدل اعظم میتواند او را اخراج نماید .

ب : چون بیت العدل اعظم تشخیص دهد عضوی از اعضا قادر بایفاء وظایف محوله نیست میتواند او را از عضویت معاف دارد و محلش را خالی اعلان نماید .

ج : عضو بیت العدل اعظم فقط هنگامی میتواند از عضویت بیت العدل اعظم کناره گیری نماید که استعفای او مورد تصویب بیت العدل اعظم قرار گیرد .

بند سوم . انتخاب تکمیلی :

هرگاه در عضویت بیت العدل اعظم محلی خالی بماند این هیئت در اولین فرصت ممکنه دعوت با انتخابات تکمیلی را اعلان خواهد نمود مگر آنکه خالی بودن محل در تاریخی باشد که به تشخیص بیت العدل نزدیک به تاریخ انتخابات مقرر کلیه اعضا^{اعظم} بیت العدل اعظم باشد در چنین مورد بیت العدل اعظم میتواند اكمال عضویت را به انتخابات مقرره موکول نماید . اگر انتخابات تکمیلی صورت گیرد همان اعضا محافل ملیه ایکه در وقت انتخابات تکمیلی سمت عضویت محافل را دارند باین انتخاب خواهند پرداخت .

بند چهارم . جلسات :

الف : چون نتیجه انتخابات بیت العدل اعظم معلوم شود عضویکه پیش از دیگر اعضا رای داشته باشد اولین جلسه بیت العدل اعظم را دعوت خواهد کرد و در صورت غیبت یا عدم استطاعت او این دعوت با عضو دیگری است که بعد از او پیش از دیگران حائز رای باشد و هرگاه دو نفر یا بیشتر متساویا حائز اکثر آراء باشند تشکیل جلسه بدعوت فردی صورت خواهد گرفت که بحکم قرعه بین این نفوس تعیین شده باشد . کلیه جلسات بعدی بنحوی که بیت العدل اعظم معین نماید تشکیل خواهد شد .

ب : بیت العدل اعظم هیئت عامله ندارد و برای اداره جلسات و تصمیمات امور در هر زمان بنحوی که صلاح داند اقدام خواهد کرد .

ج : تصمیمات بیت العدل اعظم با مشورت تمام اعضای آن هیئت صورت میگیرد مگر در مواردیکه بیت العدل اعظم اجازه دهد برای رسیدگی بامور مشخصه معینه کمتر از نه نفر از اعضا بذاکره و اخذ تصمیم بپردازند .

بند پنجم . امضاء :

امضاء بیت العدل اعظم " The Universal House Of Justice " یا بلسان فارسی " بیت العدل اعظم " است که با اجازه و تصویب بیت العدل اعظم توسط یکی از اعضا ذیل اوراق صادره مرقوم و به مهر مخصوص هیئت مهور خواهد شد .

بند ششم . سوابق :

بیت العدل اعظم برای ثبت وضبط مصوبات خود هر زمان ترتیبی
را که مقتضی داند اتخاذ خواهد نمود .
ماده ششم . انتخابات بهائی :

برای اینکه مقصد و کیفیت روحانی انتخابات بهائی محفوظ بماند باید
از تسمیه نفوس و سائس تبلیغاتی انتخاباتی یا هر نوع روش یا عمل دیگری که
مضر بحال آن مقصد و کیفیت روحانی باشد بکلی احتراز واجتناب نمود . در هنگام
انتخابات حالت سکون و توجه لازم تا در آن محیط شخص انتخاب کننده بتواند
فقط بنفوس رای دهد که بر اثر دعا و توجه و تعمق بقلبش القا شده باشد .
بند اول . کلیه انتخابات بهائی باستثنای انتخابات هیئت عامله
محافل روحانیه محلیه و ملیه و لجنات امریه با اکثریت نسبی با رای
مخفی بعمل میآید .

بند دوم . انتخابات هیئت عامله محافل روحانیه با لجنات با اکثریت
مطلق برای مخفی صورت میگیرد .

بند سوم . هرگاه در انتخاب هیئتی بعلت تساوی آراء تمام عده اعضا
در انتخاب اول تعیین نشوند انتخاب یا انتخابات دیگری میان
نفوس متساوی الرای مجری خواهد شد تا اینکه کلیه اعضا تماما
انتخاب گردند .

بند چهارم . هیچ فردی از افراد بهائی نمیتواند وظائف و حقوق
انتخاباتی خود را بد دیگری واگذار و یا وکاله از طرف دیگری این
وظیفه را انجام دهد .

ماده هفتم . حق تجدید نظر :

بیت العدل اعظم حق تجدید نظر در تصمیمات و اقدامات محافل
روحانیه اعم از ملیه و محلیه دارد و میتواند آن تصمیمات و اقدامات
راتا بعد یا تعدیل یا نسخ و تبدیل نماید و حق آنرا دارد که
در هر امری که یک محفل روحانی از اقدام و اخذ تصمیم اهمال
ورزد مداخله کند و چنانچه مقتضی داند به آن محفل دستور
اقدام دهد و یا راساً در آن باره خود اقدام نماید .

ماده هشتم. استیناف :

حق استیناف در موارد ذیل محفوظ و طرز اجرای آن بدینقرار

است :

بند اول .

الف . هر فردی از افراد يك جامعه بهائی میتواند از تصمیم محفل روحانی محلی خود به محفل ملی استیناف دهد و محفل ملی میتواند قضاوت در قضیه محوله را خود برعهده بگیرد و یا برای تجدید نظر مجدداً به محفل محلی احواله دهد . هرگاه این استیناف مربوط به عضویت فردی از افراد در جامعه باشد محفل روحانی ملی موظف است رسیدگی به موضوع را خود برعهده گیرد و رأی صادر نماید .

ب : هر فردی از افراد بهائی میتواند از رأی محفل روحانی ملی خود به بیت العدل اعظم استیناف دهد و بیت العدل اعظم میتواند قضاوت در قضیه محوله را خود برعهده گیرد و یا آنرا به همان محفل روحانی ملی برای اخذ تصمیم نهائی مرجوع دارد .

ج : هرگاه فیما بین دو یا چند محفل از محافل محلیه اختلافی حاصل شود که بر حلش قادر نباشند هر يك از آن محافل میتواند موضوع را به محفل روحانی ملی ارجاع نماید و در اینصورت محفل ملی بنفسه قضاوت در موضوع را برعهده خواهد گرفت و اگر رأی محفل روحانی ملی راهریك از آن محافل مزبور نامناسب داند و یا هرگاه هر يك از محافل محلیه اقدامات محفل روحانی ملی خود را مخالف مصالح و حفظ وحدت جامعه محلی خویش تشخیص دهد در هر دو مورد چنانچه بذل مساعیش در رفع اختلاف نظر با محفل ملی به نتیجه نرسد حق خواهد داشت موضوع را به بیت العدل اعظم استیناف دهد و بیت العدل اعظم میتواند قضاوت در موضوع را خود برعهده گیرد و یا آنرا برای اخذ تصمیم نهائی به محفل روحانی ملی ارجاع دهد .

بند دوم. استیناف دهنده اعم از فرد یا موسسه باید در وهله اولی بهمان محفلی که درباره رایش تقاضای استیناف داده مراجعه و استدعا نماید که آن محفل یا در موضوع تجدید نظر نماید و یا آنرا بمقام بالاتر احاله دهد در صورت اخیر محفل مکلف است استیناف را با شرح و تفصیل کامل تقدیم دارد چنانچه محفلی از ارجاع استیناف بمقام بالاتر امتناع ورزد و یا ارجاعش را بعهدہ تاخیر اندازد استیناف دهنده میتواند راساً قضیه را بمقام بالاتر احاله دهد.

ماده نهم. هیئت های مشاورین:

موسسه هیئتهای مشاورین را بیت العدل اعظم ایجاد نموده است تا وظائف مخصوصه صیانت و ترویج امرالله را که به حضرات ایادی امرالله تفویض گشته به آینده ایام امتداد بخشد اعضا این هیئتها را بیت العدل اعظم معین و منصوب میکند.

بند اول. دوره خدمت هر عضو مشاور و همچنین تعداد مشاورین هر هیئت و حوزه اقدامات و عملیات هر یک از هیئتهای مشاورین را بیت العدل اعظم تعیین میکند.

بند دوم. هر یک از مشاورین بعنوان مشاور فقط در حوزه خدمت خود انجام وظیفه مینماید و چون محل اقامت خود را بنقطه ای خارج از حوزه مذکور انتقال دهد بالطبع انتصاب خویش را از دست خواهد داد.

بند سوم. رتبه و مقام و وظائف مخصوصه يك مشاور او را از عضویت در تشکیلات اداری محلی و ملی معاف میدارد ولی چنانچه بعضویت بیت العدل اعظم انتخاب گردد از عضویت در هیئت مشاورین معاف خواهد بود.

ماده دهم. هیئتهای معاونت:

هر حوزه ای دارای دو هیئت معاونت است یکی جهت صیانت و دیگری جهت ترویج امرالله و تعداد اعضای هر یک از این هیئتها را بیت العدل

اعظم معین میکند اعضای این هیئتهای معاونت تحت اداره هیئتهای مشاورین در هر قاره خدمت مینمایند و نماینده و مساعد و مستشار آنان خواهند بود .

بند اول . اعضای هر هیئت معاونت راهیئتهای مشاورین قاره از بین باران هر حوزه معین خواهند کرد .

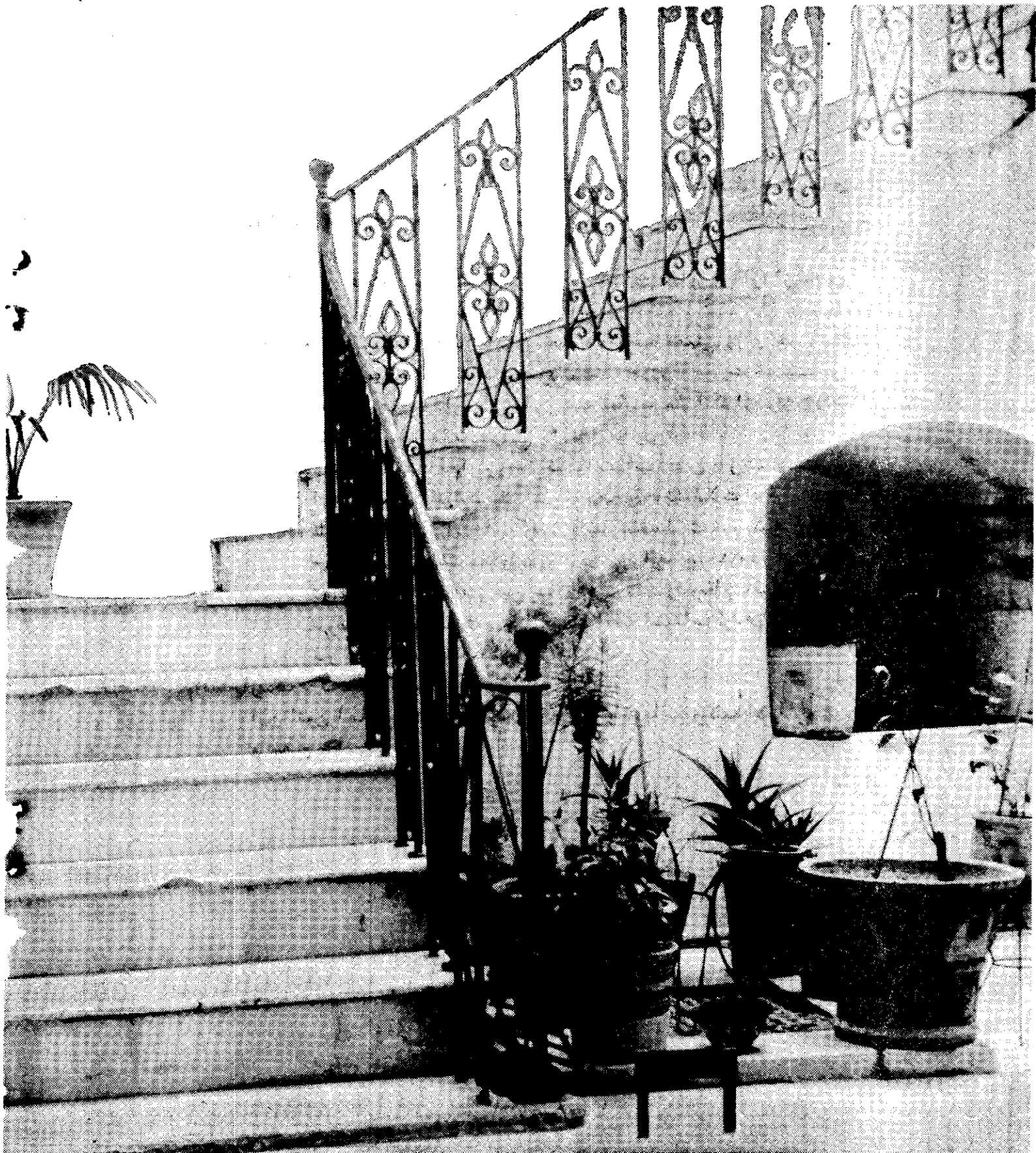
بند دوم . بهر يك از اعضا هیئت معاونت ناحیه معینی برای خدمت واگذار میشود و نمیتوانند در خارج از حوزه ما مورثت خود بعنوان عضو معاونت انجام وظیفه نمایند مگر آنکه از طرف هیئت مشاورین وظائف مخصوصی به آنان محول گردد .

بند سوم . عضو هیئت معاونت صلاحیت انتخاب شدن در تشکیلات اداری امری را دارد ولی هرگاه بعضویت تشکیلات اداری چه ملی وجه محلی انتخاب گردد باید شخصا تصمیم بگیرد که آنها میخواهد در هیئت معاونت بخدمت پردازد و یا خدمت اداری را تعهد نماید زیرا در عین حال نمیتواند در مقام باقی بماند و در صورتیکه بعضویت بیت العدل اعظم انتخاب گردد از عضویت در هیئت معاونت معاف خواهد بود .

ماده یازدهم . تعدیل و اصلاح

این قانون اساسی را بیت العدل اعظم میتواند با حضور کلیه اعضا تعدیل و اصلاح نماید .





پله داخلی بیت عبود منتهی به اطاق محل نزول کتاب مستطاب اقدس در طبقه فوقانی

تنتشا

والا

نزول

تنت

سرگرد

کتاب اقدس

نصرت الله محمد حسینی

بافتعاست. این صحیفه* علیا از قلم اعلیٰ به
القاب و اسما* عدیده چون ناموس اکبر - لوح
اقدس - امّ الكتاب - مرجع اعلیٰ - فرات الرحمہ
مشکوٰۃ الفلاح - قسطاس الہدیٰ - امّ الالواح

کتاب مستطاب اقدس ام الالواح و
ام الكتاب دور مقدس بہائی بتصریح حضرت
ولی عزیز امرالله در سال ۱۸۷۳ میلادی و در
سجن عکا از براہ ابھی جل شانہ عز نزول

روح الكتب - ميزان الله - حجه العظمى -
برهان الرحمن - روح الحيوان - ميزان العدل
و سفینه الاحكام تسمیه گردیده است.

مصطلح ام الكتاب در دور اسلام به آیات
محکمتان فرقان حمید اطلاق گردیده و به استناد
آیه کریمه " کتاب احکمت آیاته " و نظائر آن به
اعتبار دیگر تمامی قرآن شریف بوده است.

بامراجعه به معاجم و کتب لغت موجود
چون فرهنگ دهخدا - فرهنگ معین -
برهان قاطع - لسان العرب منتهی الارب
اسرار الاثار عمومی و خصوصیه (فاضل مازندرانی)
و نیز تفاسیر موثق اسلامی توان دریافت که
ام در لغت بمعنای مادر و اصل و مایه، و
کتاب بمعنای نوشته - فریضه - حکم و مقرر
است و این ترکیب اضافی چنانکه معروض افتاد
در دور اسلام به معظم قرآن و محکمتان آن و به
ام الفرقان یعنی سوره فاتحه قرآن اطلاق
شده است.

در آثار مقدسه حضرت رب اعلی کل آثار
صادره از قلم نقطه و در مواضعی کتاب بهمان
فارسی و نیز علم الهی و فیض اقدس ربانی به
ام الكتاب تسمیه گردیده و حتی پیش از نزول
کتاب اقدس در الواح جمال ابهی این
عنوان به آثار نقطه اولی اطلاق شده است
چنانچه در لوح ملا احمد یزدی صادر از قلم
مبارک بسال ۱۲۸۲ قمری در آورده در خصوص
حضرت اعلی میفرمایند " انه لسلطان الرسل
و کتابه لام الكتاب " .

زیلا " به نقل شمه ای از بیانات حضرت
نقطه اولی در خصوص معنای عام ام الكتاب
می پردازد :

" ان اصبر یاز کرالله ولا تحزن فان ایامک
فی ام الكتاب . . . لمسطور " .

صحیفه بین الحرمین "

" ان هذا صراط علی عند ربک بالعقیق
قد کان فی ام الكتاب لدینا لعلی و علی الحق
الاکبر قد کان عند الرحمن حکیم و انه الحق
من عند الله و علی الدین الخالص قد کان فی ام
الكتاب حول الطور مسطورا " .
" قیوم الاسماء "

" ان هذا لهو السر فی السموات و الارض
و علی الامر البدیع بایدی الله العلی قد کان
بالحق فی ام الكتاب مکتوبا " .
" قیوم الاسماء "

" یا عباد الرحمن ان الله ما خلقکم و ما رزقکم
الا لامر قد کان عند الله فی ام الكتاب علی الحق
بالحق عظیما " .
" قیوم الاسماء "

" یا قره العین قل للعالم الجلیل جعفر
العلوی انک علی الحق لو کنت بالباب لله
ساجدا " لقد کنت فی ام الكتاب عند الله
محمودا " .

" قیوم الاسماء " و خطاب به سید جعفر کشفی
والد جناب وحید دارابی "

در آثار نازله از قلم ابهی بلحاظی مراد از
ام الكتاب و ام اللواح و بعضا " صحیفه " حصرا
و ام البیان فیض اقدس و وحی مقدس است و نیز
به کل آثار صادره از مخزن قلم اعلی و خاصا
به الواحی چند اطلاق شده و در مفهوم اخص
نفس کتاب اقدس است و بعضا " به الواح متمم
کتاب اقدس نیز عنایت شده است . در الواح
جمال قدم جل جلاله لفظ کتاب و لوح بارها
با ترادف مضمون و مفهوم و بجای هم نازل گشته
است چنانچه خود میفرمایند " انا نسفی الكتاب
مره باللوح و اخری باسم آخر ثم اللوح بالكتاب
و باسم " اخری انه لهو الحاکم علی ما یرید .
" اسرار الاثار ذیل کلمه لوح "

لفظ کتاب حاوی معانی بسیار است در این
مقام استناد به بیان طلعت ابهی بجاست
قولها اعلی :

" هوالمین العظیم امروز کتاب من غیر
ستر و حجاب جمیع احزاب را بافق اعلی دعوت
فرمود اوست کتاب اعظم که در فرقان به ام الكتاب
و نها عظیم مذکور و از برای کتاب معانی
لا تحصى بوده و هست و همچنین دفاتر لا تعد
بك دفتر او دنیاست و نفس دنیا از کتاب
محسوبست و اوست کتابی که دارای جمیع اشیا
و اقالیم عالمست يك كتاب از قلم قدرت و صنع
مکتوب و يك كتاب از قلم عباد مسطور کلمی
احصیناه کتابا" و لکن این کتاب از قلم اعلی جاری
و نازل و اقتدار قلم اعلی خارج از حد احصا
... و يك كتاب بصحیفه حمرا" و او مخصوص
است به ذکر جواهر وجود . (۱)

در آثار جمال ابهی الواحی بانام اقدس
و قدس نیز نازل گردیده که تفصیل هر يك
مخالف ایجاز و خروج کامل از موضوع مقال است .
لوح اقدس از الواح متمم کتاب اقدس و در عکس
به افتخار فارس سوری از علمای مسیحی مومن
به امر مبارك نازل شده است . سپس فارس سوری
در زندان اسکندریه وسیله یار محمد نبیل
زندی به امر اعظم هدایت گشته و بعد هسا
مصدر خدمات عظیمه شده و تنی چند از
مسیحیان را در ظل امر مبارك وارد کرده است
لوح مبارك اقدس چنین آغاز میشود " هذا
لوح الاقدس نزل من الملکوت المقدس لمن
اقبل الي قبله العالم الذی اتى من سما القدر

بمجده الاعظم ."

بخش اعظم لوح اقدس شامل بیان تحقق
بشارت و نبوات انبیا بنی اسرائیل و حضرت
مسیح نسبت به امر مبارك است و جمال قدم
جل جلاله در این اثر نفیس مسیحیان را بسه
اقبال به امر بدیع دعوت میفرمایند .

آغاز چند لوح که باثر خامه ابهی به لوح
القدس تسمیه یافته بدین گونه است :

" هذا لوح القدس قد نزل بالحق من
لدن عزیز حکیم"

" هذا لوح القدس قد فصلنا من ام الیهان"

" هذا لوح القدس قد جعل الله مقام

النقطه"

" هو الاقدس الامنع ابهی هذا لوح

القدس یذکر فيه ما یستعمل به قلوب العباد"

(اسرار الاثار ذیل کلمه قدس)

و نیز لوح ملاح القدس که بکرات زیارت

آنها به احباب توصیه فرموده اند در قریه و

مزرعه وشواش ملکی جناب کلیم در کنار بغداد

و در سال ۱۸۶۳ میلادی نازل گردیده است .

در بیانات مبارکه ذیل صادر از قلم اعلی

عبارات ام الكتاب و ام اللوح وارد شده که

مفهوم خاص و عام آنها از متن بیان توان دریافت :

" امروز آیات ام الكتاب بمشابه آفتاب

مشرق و لایح بکلمات قبل و بعد مشتبه نشده و

نمیشود"

(کلمات فرد وسیه)

" حمد مقدس از ادراک عقول ساحت

امنع اقدس حضرت محبوبی را لایق و سزااست که

(۱) ماخذ این بیان مبارك الواح فتوکی شده موجود در محفظه آثار ملی است که وسیله
جناب احمد یزدانی علیهها الله ضمن استخراج و تنظیم عمومی آیات استنساخ گردیده
است. نصوص ابهی که از مجموعههای خطی در این نوشته نقل شده از منبع مذکور
اخذ گردیده است.

بیک کلمه علیا که از مشرق سما ام کتاب اشراق نمود بحر بیان ظاهر و امواجش باهر

(کتاب اشراقات ص ۲۲۵)

"بیقین مبین بدان هر کلمه از کلمات که از افق سما علم الهی اشراق نماید آن در نامه های آسمانی و صحیفه حمراء که ام کتاب جزوی از آنست ثابت و محقق است.

(مجموعه الواح خطی)

"هو العزیز الباقی القیوم هذا لوح قد انزلہ اللہ حینئذ بالحق و جعلہ حجۃ للعالمین و انه بنفسه لکتاب مبین تنزیل من اللہ العزیز المقتدر الجمیل و فیہ احصی اللہ علوم الاولین و الاخرین و قدر فیہ حکم البالغۃ التي لن یطلع بحرف منہا کل من فی السموات و الارضین الا من شاء اللہ و هذا من فضل اللہ علی الخلق اجمعین قل انه لام کتاب لان فیہ لا یری الا اللہ و امر ان انتم من العارفین و انه لام الواح لان منه فصلت الواح اللہ المہین العزیز القدر

(مجموعه الواح خطی لوح مبارک رضوان

الاقرار)

"انا انزلنا فی کل شان مالاتعاد لہ

کتب العالم شہد بذلک ام کتاب

(مائده آسمانی جزء ۴ ص ۲۲۵)

"طوبی لنفس عملت بما انزلہ الرحمن فی کتابہ الا قدس الذی تزین بالا حکام قل ان کتاب ہوسما قد زیناها بانجم الا و امر والنواہی شہد بذلک من عندہ ام الالواح

(مجموعه الواح خطی)

"در هر کسره لوحی از الواح ویا بیانی از ام کتاب ارسال شود محبوب است چه کسه کلمه الهی بر روح بیفزاید و قلب را بدریسای فرح و آزادی راه نماید

(مجموعه الواح خطی)

"شہد بذلک من عندہ ام ان کتاب

(بارها در الواح مختلف)

"بشارت اول که از ام کتاب در ایمن

ظہور اعظم بجمع اهل عالم عنایت شد محسو حکم جهان است از کتاب

(لوح بشارات)

"قل هذه لسما فیہا کنزام الکتاب لو انتم تعقلون

(کتاب اقدس)

"امروز ام کتاب امام وجوه احزاب ذکر

مبدأ و مآب میفرماید

(اسرار الاثار ذیل کلمه ام)

"بسم المہین علی ماکان کتاب نزلت آیاتہ

لعن شاء انه فصل من ام کتاب من لسی العزیز الوہاب

(اسرار الاثار ذیل کلمه مہین)

"هذا کتاب من نقطہ الارض بہائسہ

الی الذی سعی فی جہر و سہا بالکاظم و کان من المومنین فی ام الالواح مکتوبا

(دعا مصدریہ بیان بدعوہ محیی الانام)

"عنقریب آنچه مشہود مفقود خواهد شد و

آنچه باقی و دامنست کلمه اللہ بودہ و ہست و

آثارش را مجو نیاید ویا و نرسد و شمراتش بدوام

ملک و ملکوت باقی و یابند ماست بمحو اللہ

مایشا و یثبت و عندہ ام کتاب

(مجموعه الواح خطی)

بہر حال همانگونه کہ معروض افتاد مراد

از ام کتاب در معنای اخص ام کتاب دور

بہائش و آن کتاب اقدس است کہ بفرمودہ مرکز

میثاق خاتم کل کتب و ناسخ جمیع صحائف

و زہر الواح است و اینست عین بیانات مبارکہ

در مدلول فوق در خطاب بہ جناب فاضل

مازندرانی قولہ الاتم : کتاب اقدس کہ مہین بر

جميع كتب وصحف و زبراست و كل آنچه در آن مذکور ناسخ جميع صحائف و كتب حتى اوامر و احكام و اعلان و اظهار آن ناسخ جميع اوامر غير مطابق و احكام غير متساوي مگر امری و حکمی که در آن کتاب مقدس الهی غیر مذکور.

و نیز در خطاب مبارک به جناب علی قبل اکبر است قوله لا علی : " کتاب شریعت الهیه ایمن حزب بهائی کتاب اقدس است و او خاتم کل کتاب و بنص قاطع ناسخ احکام بیان ."

در این مقام شایسته است در بیان جامعیت و اعظمت و اهمیت کتاب مستطاب اقدس چند فقره از بیانات مبارکه جمال الهی نقل شود و هی هذه :

" تمسکوا بالکتاب الا قدس الذی انزلناه الرحمن من جبروته المقدس المنیع انه لم یزنا الله بینکم یوزن به کل الاعمال من لدن قوی قدیر طوی لمن وجد منه حلاوه بیان ربه و شرب من کلماته کثیرا و امر الله رب العالمین "

(لوح عند لیسب)

" کتاب اقدس از ملکوت مقدس الهی نازل باید کل بان عمل نمایند قسم بمری امکان که بحر حیوان در او مستور است و نفعه رحمان از او در مرور ."

(مجموعه الواح خطی)

" الیوم باید جميع باو امر الهیه که در کتاب اقدس نازل شده متمسک باشند و کمال حکمت مابین خلق مشی کنند اینست امر الله طویسی لك وللعاملین "

(مجموعه الواح خطی)

" حضرت مبشروح ماسواه فداه احکامی نازل فرموده اند ولیکن عالم امر معلق بود بقبول لذا این عهد مظلوم بعضی را اجرا نمود و در کتاب اقدس عبارات اخری نازل و در بعضی توقف

نمودیم الامر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید و بعضی احکام هم بدعا نازل طوی للفائزین و طوی للعاملین ."

(کتاب اشراقات ص ۸۳)

" قد انزلنا فی السجن کتابا سمن لدی العرش بالکتاب الا قدس و فیه شرعنا الشرایع و زیناه باو امر ربک الامر علی من فی السموات و الارضین قل یا قوم تمسکوا به ثم اعملوا بما نزل فیه من بدایع احکام ربکم الغفور الکریم ."

(لوح میر عبد الرحیم)

" هذا کتاب اصبح مصباح القدم للعالم و صراطه الا قوم بین العالمین قل انه لم یطع علم الله لو انتم تعلمون و مشرق او امر الله لو انتم تعرفون "

(کتاب اقدس)

" قل تالله الحق لا یغنیکم الیوم کتیب العالم ولا ما فیه من الصحف الا بهذا الکتاب الذی ینطق فی قطب الابداع انه لا اله الا انا الحکیم العلیم ."

(کتاب اقدس)

مقدمات نزول کتاب اقدس

بنا آنکه نزول کتاب اقدس مقدر و مسلم بود و جمال قدم جل جلاله در رساله شریفه ایقان نیز به صدور آن اثر جلیل اشاره نموده و فرموده حضرت ولی امر الله آن سفر عظیم را " مهیمن هر جميع صحف و كتب الهیه " بیان فرموده بودند معذک چون میقات الهی نرسیده بود در آغاز

الاعمال • اذا فزتم بهذا المقام الاسنى .
والا فاقى الاعلى . ينبغي لسكل نفس ان
يتبع ما امر به من لدى المقصود لانيهما
مما لا يقبل احدهما دون الآخر هذا
ما حكم به مطلق الالهام • ان الذين
اوتوا بصائر من الله يرون حدود الله
السبب الاعظم لتنظيم العالم وحفظ الامم
والذى غفل أنه من همج رجاج • انا
امرناكم بكم حدود النفس والموى

بسمه الصاكن على ما كان وما يكون
ان اول ما كتب الله على المباد عرفان
مشرق وجهه ومطلع امره الذى كان
مقام نفسه فى عالم الامر والخلق من
فاز به قد فاز بكل الخير والذى منع
اانه من اهل الضلال ولو ياتى بكل

ورود به ادرنه نفوس را به اتباع از اوامر بهمان
 دعوت میفرمودند تا آنکه فصل اکبر واقع و بحر
 بیان الهی اشد از قبل موج گشت بشائسی
 که نفوس کثیره از کاتبین آثار روز و شب به تحریر
 ما لوف و میرزا آقا جان کاشانی خادم اللسه
 روزان و شبان در محضر مبارک حاضر و به تحریر
 و کتابت آیات مشغول و حضرت غصن اعظم بسه
 تسوید آن ما نوس بودند و میرزا باقر شیرازی از
 کتاب وحی هر روز د و هزار بیت تحریر میکرد
 معذلك چنانکه باید از عهده انجام این مهم
 بر نمی آمدند . در آن ایام باران ایران نیز به
 دفاع از امر جدید برخاستند و اصطلاح اهل
 بیان به اهل بها تغییر یافت و تحیت الله اکبر
 که معمول در میان بود به تکبیر الله ابهسی
 تبدیل شد . در آن اوقات که فصل اکبر به اوج
 اعتلاء میرسید و حجاب اکبر بکلی خرق و امر الله
 به ملوک و سلاطین و فلاسفه و علماء و دیگر طبقات
 ملل مختلفه عالم ابلاغ عمومی میشد بتدریج
 احکام جدید که رافع احکام بیان بود صادر
 و نازل و منتشر میگردد و بخشی از احکام و
 حدود بلسان پارسی نازل ولی بجهتی ارسال
 نشد چنانکه نفس جمال قدم جل جلاله بدین
 امر در لوح مبارک با مضاء خادم مورخ ۱۵ جمادی
 الاولی ۱۲۹۰ قمری تصریح میفرمایند قولها العزیز
 " در سنین معدوده از اطراف بعضی مسائل
 در احکام الهیه سئوال نمودند ولیکن قلم اعلی
 متوقف در ارض سر بلسان پارسی مختصری نازل
 ولیکن بطرفی ارسال نشد حب الامر در محل
 محفوظ بود . "

پس از استقرار جمال قدم در سجن عکا
 عرائض دوستان مبنی بر استعلام از احکام
 جدید پیش از پیش بساحت مبارک متواصل گشت
 و حجم آن عرائض بشائسی عظیم شد که بروایت

آقا رضا قناد همراه ده الهی بیست عریضه در
 این خصوص بسمع مبارک میرسید . از جمله
 نفوسی که کرارا رجای صدور و نزول کتاب
 احکام داشتند در انطباعات بهائی حد حاج
 میرزا حیدر علی اصفهانی - ملا علی اکبر آبادی
 شه میرزای - ملا زین العابدین نجف آبادی
 ملقب به زین العقبین - حاجی شاه محمد امین
 منشادی ملقب به امین -
 البیان را نام بردند . سرانجام کتاب اقدس
 عز نزول یافت و شمس اوامر الهیه از افق
 ام الکتاب طالع شد ولی بملاحظات بجهتی
 ارسال نگشت تا میقات معین رسید و امر به
 ارسال و انتشار کتاب اقدس شد . لطائف
 و دقائق این منع و ارسال را از مطاوی چند
 فقره از بیانات مبارک الهیه که ذیلا درج میشود
 توان دریافت:

" در این ظهور اعظم اکرم مع آنکه ایامی از
 ظهور قلم نگذشته حکمتی مستور و سرپست
 مقتوع و وقتی بوده مخصوص و مطلع نشده و نخواهد
 شد با و نفسی مگر آنکه در کتاب مکتوب نظر نماید
 پس از خدا بخواه که بآن کتاب فائز شوی چه که
 هنوز ظاهر ننمودیم و ظهور آن در سه مشیت
 معلق بوده و خواهد بود . " (مجموعه الواح خطی)
 " قد حضرت لدی العرش عرائض شستی
 من الذین آمنو و سئلوا فیها الله رب ما یبری
 و ما لا یری رب العالمین لذا نزلنا اللوح
 و زیناه بطراز الامر لعل الناس با حکام ربهم
 یعملون و كذلك سئلنا من قبل فی سنین
 متوالیات و اسکتنا القلم حکمه من لدنا الهی
 ان حضرت کتب من انفس معدودات فی تلك
 الايام لذا اجبناهم بالحق بما تحیی به
 القلوب " (کتاب اقدس)

" این بسی واضح و معلومست از یومیکه

کتاب اقدس از سما مشیت نازل شده در سنین معدوده مستور بود تا آنکه جمعی از نفوس مقبله موقته از اطراف از احکام الهی سئوال نمودند و بکمال عجز و ابتهال سائل شدند لذا امر بارسال کتاب اقدس شد .

(مجموعه الواح خطی)

" واما درباره کتاب اقدس مرقوم داشته بودید مخصوص جناب آقا محمد باقر علیه ۶۶۹ بفرستید فارسی آن چند فقره از قبل نازل و بعد قلم اعلی توجه بیبانی نفرمود لذا ارسال نشد . (لوح مبارک مورخ ۱۲۹۶ قمری بامضا خادم خطاب به زین العقرین)

" در سنین معدودات از اطراف عراق بعضی ناس بشطر اقدس وارد و از او امر الهیه سئوال مینمودند انا امسکنا القلم علی ذکرها الی ان اتی المیقات اذا اشرفت من افق اراده ربک شمس الا و امر والا حکام فضلا علی الانام انسه لیهوالغفور الکریم چه که او امر الهیه بمنزله بحر است و ناس بمنزله حیثان سوهم یعرفون ولیکن بحکمت باید بآن عمل نمود مثلا از جمله احکام حلیت الحان و نغمات بوده حال اگر نفسی از اهل بیان جهره باین عمل قیام نماید خلاف حکمت نموده چه سبب اجتناب عباد واضطراب من فی البلاد خواهد شد اکثری ضعیفند و از مقصود الله بعید باید در جمیع احوال حکمت را ملاحظه نمود تا امری احداث نشود که سبب ضوضا و نفاق و نفاق نفوس غافله گردد .

(مجموعه الواح خطی)

" و در این ایام کتاب اقدس از سما مقدس نازل طوی لمن ینظر فیه ویتفکر فیما نزل من آیات ربه المهیمن القیوم و سبب آنکه در سنین معدوده از اطراف بعضی مسائل در احکام الهیه سئوال نمودند ولیکن قلم اعلی متوقف

در ارض سر بلسان پارسی مختصری نازل و لکن بطرفی ارسال نشد حسب الامر در محل محفوظ بود تا آنکه در این ایام مجدداً عرائض سائلین بساحت اقدس حاضر لذا باهدع الحان بلسان آیات این کتاب بدیع منبع نازل و چون جناب آقا ج م علیه بها الله در اینجا تشریف داشتند آنچه حال مصلحت اظهار آن بود بایشان عنایت فرمودند یعنی اذن فرمودند که نسخه از آن بردارند انشاء الله بآن فائز خواهید شد و بمقتضای حکمت عمل خواهید نمود طوی لذائقه بجد حلاوتها و لذی بصر بعرف مافیها و لذی قلب بطلع برموزها و اسرارها . (لوح مبارک به امضا خادم و بافتخار ملاعلی اکبر ایهادی مورخ ۱۲۹۰ قمری)

محل نزول کتاب اقدس

رود هیکل اطهر جمال قدم به سجن اعظم در ۳۱ اگست ۱۸۶۸ برابر با ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۸۵ بود مدت ۲ سال و دو ماه و پنج روز در قشله عسگریه محبوس و مسجون بودند سرانجام چهار ماه پس از شهادت حضرت غصن اطهر چون قشله مورد نیاز عساکر عثمانی بود امر صادر که حضرت بها الله آن مکان را ترک نمایند لذا حضرت بها الله و عائله مبارکه به بیت ملک که در بخش غربی عکا قرار داشت تشریف بردند و پس از حدود ۳ ماه اقامت در بیت ملک به بیت خوام که مقابل بیت مذکور قرار داشت نقل مکان فرمودند و پس از چند ماه به بیت رابعه تشریف بردند و بعد از چهار ماه اقامت در بیت رابعه بیت عبود محل استقرار طلعت قدم شد . خانه عبود ملکی عبود تاجر

زمان نزول کتاب اقدس

از صرايح الواح جمال قدم و قرائن موجود در کتاب اقدس و دیگر نصوص الهیه توان دریافت که آغاز نزول این اثر جلیل در نخستین سالهای ورود آن حضرت به سجن عکا بوده است.

در خصوص ذلت و خسران ناپلئون سوم پادشاه فرانسه در نفس کتاب و خطاب به ویلهلم اول امپراطور آلمان چنین صادر گردیده است قوله الحق: "اذکر من کان اعظم منک شاهنا و اکبر منک مقاما" این هو و ما عنده انتهه و لا تکن من المراقدين انه نبذ لوح اللسه ورائه از اخبارنا بما ورد علينا من جنسود الظالمين لذا اخذته الذله من کل الجهات الی ان رجع الی التراب بخسران مبین.

ناپلئون سوم در سال ۱۸۷۰ میلادی برابر با ۱۲۸۷ هجری قمری در جنگ با ویلهلم اول مغلوب گشته خائبا "خاسرا" در نهایت ذلت در سال ۱۸۷۳ (۱۲۹۰ قمری) درگذشت.

و نیز در خصوص شیخ محمد حسن صاحب کتاب جواهر الکلام در حقوق و فقه اسلام که در سال ۱۲۸۶ قمری درگذشت چنین مسطور است قوله العتین: "اذکروا شیخ الذی سعی بمحمد قبل حسن و کان من اعلم العلماء فی عصر لما ظهر الحق اعرض عنه هو و امثاله و اقبل الی اللسه من ینق القمح والشعیر و کان یکتب علی زعمه احکام الله فی اللیل والنهار و لما اتی المختار مانعه حرف منها . . ."

که از مدلول بیان مبارک توان استفاد داشت این بیان پس از درگذشت شیخ مذکور صادر شده است. و نیز در خطاب مبارک به میرزا یحیی ازل در این صحیفه علیا چنین صادر

مسیحی و شامل در بخش بود بخش شرقی که معروف به بیت عودی خمار است و بخش غربی که موسوم به بیت عبود است در حقیقت بخش شرقی یا عودی خمار مقر جمال ابهی و عائله علیا گشت و تقدیری کوچک بود که سیزده نفر از افراد عائله رجالا "ونسا" در یک حجره مستقر شدند و در حجره مذکوره بود که تنی از منسوبان که در رف خوابیده بود هنگام خواب در غلطید و بر روی هیکل اطهر حضرت عبد البها که در کف حجره استراحت فرموده بودند افتاد. در آن احوال گروهی از اصحاب و همراهان در منازل و اماکن دیگر و اکثرا در کاروانسرای معروف به خوان عوامید اقامت کردند و محل مذکور تا صعود جمال قدم و جلوس مرکز میثاق محل استقرار آنان بود. حضرت بهاء الله نیز در بخش شرقی حجره ای را اختصاص بخویش داده بودند و در آن حجره بظاهر محقر بود که ام الکتاب امر بهائیس و اعظم و اکبر صحف عالم کتاب اقدس شرف نزول یافت. پس از اقتران حضرت عبد البها با منیره خانم عبود بخش غربی بیت را نیز تحویل هیکل اطهر نمود این بود که حضرت بهاء الله حجره محل نزول کتاب اقدس را به حضرت عبد البها داده و خویش در یکی از حجرات بخش غربی اقامت فرمودند. اقامت حضرت بهاء الله در دو بخش شرقی و غربی بیت عبود رویهم هفت سال طول کشید و در آن احوال وقایع هائله ای رخ داد که شرحش به تفصیل در متون الواح و آثار الهیه و کتب تاریخیه این امر اعظم درج است و ذکرش مخالف ایجاز در کلام.

يا ملاء الارض اعلوا انقوا و امرى سبح
 عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی
 لبریتی کذلک نزل الامر من سماء
 مشیتہ ربکم مالک الادیان

(آیة ع)

رکتاب متطاب اقدس،

قمری چنین نازل: " در این ایام کتاب اقدس
 از سما مقدس نازل طویس لمن ینظر فیه ویتفکر
 فیها نزل من آیات ربہ المہیمن القیوم."
 و در لوح اشراقات نازل: " و این آیات در
 این مقام در کتاب اقدس در اول ورود سجن از
 سما مشیت الهی نازل . . ."

" قد اخذ الله من اغواک فارجع الیه خاضعا"
 خاشعا" متذللا" . . ."
 که مراد قتل سید محمد اصفهانی است
 که در سال ۱۲۸۸ قمری واقع گردید و روشن است
 که در آن ایام کتاب اقدس در نزول بود فاسخ
 و در لوح مبارک جمال قدم موخ ۱۲۹۰

ان الذی احذہ جذب محبة

اسمى الرحمن انه یقرء آیات الله

على شان تنجذب به افئدة الراقدين

(آیه ۳۶۴)

(کتاب مستطاب اقدس)

در سنین معدوده مستور بود تا آنکه جمعی از نفوس مقبله موقنه از اطراف از احکام الهی سؤال نمودند و کمال عجز و ابتهال سائل شدند لذا امر بارسال کتاب اقدس شد .

(ماخذ اسرار الاثار)

و در آثار حضرت عبدالهیها بتقریب ۵۰

و در لوح مبارک بامضاء خادم : " در این
حین بآیه مبارکه کتاب اقدس که در اول سجده از
ملکوت مقدس نازل متذکر شد م . "

(ماخذ مجموعه امر و خلق)

و در لوح جمال نیازل : " این بوسی
واضح که کتاب اقدس از سما مشیت نازل شد و

سال پیش و بیست و پنج سال پیش بیان فرمودند که همه مبین شروع نزول کتاب اقدس در اوائل ورود به سجن عکا بود ماست. به یقین میتوان بیان نمود که خاتمه نزول این سفر عظیم در سال ۱۲۹۰ قمری برابر با ۱۸۷۳ میلادی واقع و این همان تاریخی است که هیکل اطهر حضرت ولی امرالله را آثار مبارکه خویش خصوصاً "گد پاسزهای تصریح فرموده فاند .

انتشار و طبع و ترجمه کتاب اقدس

کتاب اقدس در اوایل سال ۱۲۹۰ قمری به ایران ارسال گشت و از آن پس نسخ متعدد آن در جمع احباب انتشار یافت ولیکن بعدها حضرت عبدالبها امر به تطبیق نسخ کتاب اقدس با نسخه خط جناب زین المقربین فرمودند چنانکه در لوح مبارک به افتخار میرزا فضل الله معاون التجار شهید نراقی است قوله المبین: "کتاب اقدس را بخط من ادرك لقاء ره حضرت زین المقربین تطبیق نمائید . . . خط جناب زین صحیح است ."

تاریخ امر مبارک گوید که نسخه اولین پیش از سایر بلاد در قزوین و طهران زیارت گردید و از آن دیار بسائر انحاء انتشار یافت و بهمان مبارک جمال قدم نازل در لوح حاج محمد رضای اصفهانی در خصوص شربت افیون که در آفتاب و پیش از ایمان بدان مبتلا بود به امر مبارک جمال ابهی به کتاب اقدس ضم شد و بعدها در لوح مبارک اشراقات حکم جواز اخذ رسد

نقود را از کتاب اقدس محسوب داشته و در اشراق ششم در خصوص تعلق امور ملت به بیت عدل میفرمایند " این فقره از قلم اعلی در ایمن حین مسطور و از کتاب اقدس محسوب امور ملت معلق است بر جمال بیت عدل الهی ."

و در لوح بشارت عظمی از قلم مالك قدم نازل قوله الافضل در ایامی که احکام از سما مشیت مولی الانام نازل بعضی ارسال شد و بعضی حسب الامر از کتاب اخذ شد

و تمامیت آن کتاب مقدس از اقلام مبارکه شایع اعظم و مرکز میثاق اتم و هیکل ولایت اتم تصریح گردید . و در خصوص ورقه آخری که صلاه تسع رکعاه در آن نازل حضرت عبدالبها در لوح میرعلی اصفرا اسکوشی چنین فرمودند " در خصوص صلوه تسع رکعات سؤال فرموده امید آن صلوه با کتبی از آثار درست ناقضان گرفتار منحصر بآن نه جمیع امانات این عهد را مرکز نقض سرقت نموده جمیع احباب در ارض اقدس مطلع بر آن ."

و نیز در لوح مبارک بافتخار میرزا مهدی - شریک حاجی امین میفرمایند: " از کتاب اقدس سؤال نموده بودی همین است که طبع شده چند حکم متمم دارد که با اثر قلم مبارکست لکن اوراق عبدالبها را ناقضین سرقت نمودند و آن ورقه نیز در بین آن اوراق است ."

طبع اول کتاب اقدس در سال ۱۳۰۸ قمری به ضمیمه الواحی چند در بمبئی میسر گردید و این مجموعه مطبوعه در نزد بهائیان به کتاب اقدس بزرگ معروف گردید . طبع ثانی نیز پس از صعود جمال مبارک بعین طبع اول مطبوعه و منتشر شد و پس از آن دیوار نیز در ایران تنها کتاب اقدس بقطع کوچک طبع و انتشار یافت و در کتب مطبوعه غیر بهائیان نیز گاه تمام و گاه بخشی

بِسْمِ الْخَامِ عَلَى مَا كَانَ وَيَكُونُ

ان اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وجهه ومطلع
 امره الذي كان مقام نفسه في عالم الامر والخلق من فاز به قد
 فاز بكل الخير والذي منع الله من اهل الضلال ولو يأتي بكل
 الاعمال * اذا فوتم بهذا المقام الاسنى والافق الاعلى ينبغي
 لكل نفس ان يتبع الامر به من لدى القصور ولا تهايماً لا يقبل
 احدها دون الاخر هذا ما حكم به مطلع الاطام * ان الذين
 اتوا بصائر من الله يرون حدود الله السبب الاعظم لنظر
 العالم وحفظ الاسم والذي غفل عنه من منح رفاع * انا
 امرناكم بكسر حدود النفس والمعوى لا ما تم من القس
 الاعلى انه لروح الحيوان لمن في الامكان * قد ماجت بحور
 الملكة والبيان بما حاجت سمعة الرحمن اغتموا بالولي الاليل
 ان الذين تكفوا عهد الله في اوامره وكفوا على اعقابهم اتركوا

من اهل الضلال لدى العنى الشمال * يابلاً الارض اغلوا
 ان اوامرى سورج عنايتي بين عبادى ومفاتيح رحمتي ليرتقي
 كلكم نزل الامر من سما مشية ربكم مالك الاديان *
 لويجد احد حلاوة البيان الذي ظهور من ثم مشية الرحمن
 لينفق ما عنده ولو يكون خزائن الارض كلها ليبيت امراً من
 اوامره المشرقة من افق العناية والالطاف * قل من حدودى
 يترعرف فيسمى ويحانصب اعلام النصر على الفتن والاللال *
 قد تكلم لسان قدرتي في جهوت عظمتي غاطباً لهيرتي ان
 اعملوا حدودى حياً لجمال طوبى لطيب وجد عرف الحبوب
 من هذه الكلمة التي فاحت منها نجات الفضل على شأ * لا
 توصف بالادكار * لعمري من شرب رحيق الانصاف من
 ابادى الالطاف انه يطوف حول اوامرى المشرقة من افق
 الابداع * لا تحسبن انا نزلناكم الاحكام بل قمنا ختم الزحيق
 الختم باصابع القدره والافتدال * يشهد بذلك ما نزل من
 قلم الوحي فكروا بالولي الاكثار * قد كتب عليكم الصلوة تسع
 ركعات لله ينزل الايات حين الزوال وفي الكفور والاصال *
 وغفونا عدة اخرى اسماً في كتاب الله انه لعلو الامر القدر
 المنفل * واذا اردتم الصلوة ولوا وجوهكم شطرى الاندس
 المقام القدر من الذي جعله الله مطاف اللالطاع ومقبل اهل

از آیات کتاب اقدس نقل و درج گردیده چنانچه تمامی کتاب اقدس در ضمن کتاب معروف^۳ البهائون و البهائیین فی حاضرهم و ماضیهم^۴ من شده است.

و از قلم حضرت ولی امرالله خطاب به اعیان طهران چنین صادر: "از قرار معلوم کتاب اقدس بدون اجازه حکومت طبع شده و این منافی نص قاطع الهی است و البته مرتکب آن باید توبه نماید و استغفار کند و اگر کتابی بدون اذن و اجازه حکومت طبع شود جائز نیست."

و در لوح مبارک خطاب به محفل مرکزی ایران نازل: راجع به انتشار جزوه^۵ مطبوعه سؤال و جواب انتشارش بین مؤمنین جائز ولی تجدید طبع آن جزوه و کتاب اقدس مقتضی نه وقتش خواهد رسید."

اما در خصوص ترجمه کتاب اقدس بعرض میرسانم که حضرت عبدالبهاء جل شانه در لوح مبارک به افتخار مهربان رستم بطور کلی در خصوص ترجمه آیات میفرمایند قوله الاحلی: "در خصوص ترجمه آیات مبارکه سؤال نموده بودید ترجمه باید در نهایت فصاحت و بلاغت باشد ولی هر قدر ترجمه نصیح و بلیغ باشد قیاس باصل نمیشود کرد زیرا آن الفاظ از فم مطهر صادر و این الفاظ از قلم بشر صادر فرق بی منتهی در میان ... ولی باید نفوس که در عربی و فارسی هر دو نهایت اطلاع و اختیار دارند و بقریحه^۶ سیاله ترجمه مینمایند بترجمه پردازند."

ابتناء^۷ بر مقصود مبارک در بیان فنون در خطابی دیگر میفرمایند: "در خصوص ترجمه کتاب اقدس که یکی از احباء الله نموده مرقوم فرموده بودید اگرچه مقاصد جناب مترجم خیر بود لکن از این جهت که اینگونه امور در این ایام سبب اختلاف میشود لهذا جائزه."

(ماخذ مائده آسمانی جزء دوم)

و نیز حضرت ولی امرالله جل سلطانه در توفیق مورخ ۱۹۲۴ میلادی برابر با ۱۳۴۲ هجری قمری چنین میفرمایند "ترجمه کتاب مستطاب اقدس بواسطه جناب فاضل یزدی اید الله علی نشر آثاره و ترویج کلماته بارض اقدس و اصل و چون طبع و نشر آن حال موافق و مناسب اوضاع حالیه ایران نه نسخه آن نزد این عبد محفوظ است تا انشاءالله من بعد دستور العمل مخصوص و کاملی بواسطه^۸ محفل روحانی طهران ابلاغ گردد و این مهم تحقق یابد."

عرض این نکته ضروری است که ترجمه و تدوین و تنظیم کلی کتاب اقدس در ظل هدایت بیت العدل اعظم و در آتیه اوقات انجام خواهد شد چنانکه اینک ظلیعه^۹ آن نمودار گشته است.

کتاب مستطاب اقدس بتمامه و یا بعضاً از آیاتش وسیله غیربهایان بزبانهای مختلف ترجمه شده که بی شک نزد اهل بها مستند نتواند بود. مترجمین کتاب اقدس بر اثر آگاهی اندک از معارف بهائی و عدم اطلاع بمصطلحات و الحان آیات دچار اشتباهات فراوان گشته اند که حتی ذکرش هم از آن مخالف اختصار در گفتار است. از جمله نفوس مذکوره پروفیسور برون مستشرق انگلیسی است که گهگاه در تالیفات خویش به ترجمه فقراتی از کتاب اقدس پرداخته است و نیز آکار میسینس

ای - ای برتلس (E. E. Bertels) / خاور شناس فقید روس چند فقره از این اثر جلیل را به روسی ترجمه کرده است. برتلس از مستشرقین و ایران شناسان بنام جهان است که آثار نفیسی در خصوص ادبیات و عرفان و آئین ایرانیان از خویش بیادگار نهاده است. مجموعه ای از آثار برتلس طی سالهای ۱۹۶۰ الی ۱۹۶۵ در چهار جلد و در ۲۱۳۲ صفحه در مسکو بطبع رسیده

است. کتاب مبارک کلمات مکتونه همواره بر روی میز کار برتلسن دیده می‌شده و در توصیف آیات کتاب اقدس بدین مضمون سخنی ایراد نموده است "کتاب اقدس دارای اوج و حسیف خاصی است که بر لطافت و عظمت این کتاب افزون می‌کند گاه سخن در اوج اغتلاء و بیان از وحدت عالم انسان و کره ارض و بلوغ عالم است و گاه حسیف خاصی طی نموده سخن در خصوص نظافت بدن و اجتناب از مسکرات و عدم ادخال یسد در صحاف و صحن است (۱) متن کامل کتاب اقدس به انگلیسی در سال ۱۹۶۱ میلادی وسیله انجمن سلطنتی آسیائی (The Royal Asiatic Society) در لندن به طبع رسیده است و در چند موضوع از کتاب صفحاتی از اصل نسخه مطبوعه سال ۱۳۰۸ قمری که در پیشش مذکور افتاد، کلیشه شده است. مترجمین کتاب دکتر ارل-ای - الدر Earl E. Elder و ویلیام مک میلر William Mc. Miller هستند که نگارنده شخص اخیرالذکر را با سمیت شبان کلیسای انجیلی طهران بارها در طهران ملاقات نموده و با وی مذاکرات امری داشته است این ترجمه نیز دارای اغلاط و اشتباهات فراوان است و مترجمین مذکور ضمن مقدمه‌های جداگانه که بر ترجمه متن افزودند، بذکر مسائلی پرداخته‌اند که بکلی دور از حقیقت و گویای آگاهی اندک آنان از معارف امر مبارک بهائی است.

پروفسور آ. گ. تومانسکی

(A.G. Taumanski) استشرق و ایران‌شناس

دو از جمله کتاب اقدس پروفسور شهادت حاج محمد رضای اصمعی تا آنجا که در توان داشت بسود احباب کوشید و بدین لحاظ نام خویش جاودان ساخت و هیکل اطهر حضرت عبدالبهاء در خطاب به او عبارت "ای مسین مظلومان" بکار بردند.

ترجمه روسی تومانسکی از کتاب اقدس در سال ۱۸۹۹ میلادی ضمن نشریات فرهنگستان امپراطوری روسیه در سنت پترزبورگ به طبع رسیده و بعد ها طبع دیگری خورد. است. این ترجمه نیز خالی از اشتباه نمیباشد و چنانچه معروف شد در مورد این مهم از طریق دیوان عدل اعظم الهی اقدام شده و خواهد شد و ترجمه یا ترجمه‌های رسمی کتاب اقدس انتشار خواهد یافت.

در خاتمه این بحث معروف میدارد که هیکل اطهر حضرت ولی امرالله (و نیز تنی چند از یاران رحمان در غرب به ترجمه فقراتی از کتاب اقدس میادرت فرموده‌اند که در لاحق ایام راهنمای مترجمین این سفر جلیل خواهد بود

الواح متبرک کتاب اقدس

الواح صادره از قلم ابهی هریک بلحاظی متمم و شارح دیگری است بدین اعتبار کتاب اقدس متمم الواح اخیری منظور و بعضاً از الواح

(۱) ماخذ عبارات اخیر در خصوص تجلیل پروفسور برتلسن از کلمات مکتونه و محتوای کتاب اقدس تقریرات حضرت ایادی امرالله جناب فروتن در کلاس درس امری سال ۱۳۳۰ شمسی در طهران است.

و آثار نازله دیگر متمم کتاب اقدس ملحوظ و کسل
 آثار نازله از قلم اعلیٰ بنص جمال ابهسی یک
 کتاب محسوب است. در بسیاری از الواح
 صادره پس از نزول کتاب اقدس اوامر و احکام
 و در تالیق و لطایف بدیعی نازل که در جاسای
 خویش مکمل و متمم کتاب اقدس است. واضح است
 که کتاب اقدس ناسخ جمیع صحائف و کتبی است
 که با منطوق و مدلول آن اثر جلیل مابینت دارد
 بنابراین آنچه از مضامین الواح که با مندرجات
 آن صحیفه علیات تطابق و توافق داشته و با
 متضمن بدایع اوامر و نواهی است متمم کتاب
 اقدس محسوب است و آنچه با موارد مذکور در
 این سفر کریم مابین است مرفوع است. کثیری
 از الواح نازله پس از صدور کتاب اقدس به تلویح
 از الواح متمم بشمار رفته که از آن جمله تسوان
 الواح مبارکه حکمت - کرمل و ابن الذئب را
 نوشت و نیز کتاب عهدی یعنی کتاب وصیبت
 جمال قدم که به اکبر الواح و صحیفه حمراء
 تسمیه شده شارح و متمم کتاب اقدس است.

رساله سؤال و جواب نیز از آثار متمم کتاب
 اقدس محسوب است. تدوین و تنظیم بیانات
 جمال قدم بعنوان رساله سؤال و جواب وسیله
 جناب ملا زین العابدین نجف آبادی ملقب به
 زین المقربین انجام یافت و شرح ما وقع آنکه
 شخصی مذکور پس از نزول کتاب اقدس هنگامیکه
 در رسول اقامت داشت در خصوص پیاره‌های از
 احکام آن کتاب مقدس از محضر ابهسی سئوالاتی
 نمود و در پاسخ اجوبه لازم صادر گردید این
 پرسش‌ها و پاسخ‌ها وسیله جناب زین تدوین و
 تنظیم و بساحت جمال قدم تقدیم گردید هیکل
 اظہر ضحیٰ نهادند و انتشار آنرا اجازت
 فرمودند و بعدها به رساله سؤال و جواب
 مشهور شد حضرت ولی امرالله نیز در آثار مبارکه

خویش همین عنوان را در خصوص اثر یاد شده
 تکرار فرموده‌اند. به استناد تتبع و تحقیق
 استاد فقید جناب فاضل مازندرانی شایسته
 نخستین نسخه منتشره از رساله سؤال و جواب
 مربوط به سال ۱۳۱۷ هجری قمری و بخط
 ملا محمد خوانساری خوانسار باشد
 در این مقام بجاست شمای از بیانات
 جمال قدم جل جلاله خطاب به حضرت
 زین المقربین درج گردد:

"جناب زین المقربین انشالله بعنایه الله
 در کل عوالم فائز باشید سئوالات شما لودی
 العرش مقبول چه که منفعت کل خلق در اوست
 و مخصوص امر نمودیم ترا که در احکام و آیات
 الهیه سئوال نمائی انا جعلناک مطلع الخیر
 للعباد در این ایام بعضی از آیات
 کتاب اقدس بلسان پارسی بیان میشود و در
 بعضی از احکام که نازل نشده ذکر خواهد
 شد."

حضرت ولی امرالله به تصریح الواح مبارکه
 و صایاتی حضرت عبدالبها را متمم کتاب اقدس
 ذکر فرموده‌اند که خود موضوع بحث مفصل و
 مشروحی است. ولیکن الواح مبارکه معینه‌ای از
 جمال قدم که جمیعاً در عکا نازل شده
 بتصریح حضرت ولی امرالله از جمله الواح متممه
 کتاب اقدس محسوب گشته است و ذیلاً در خصوص
 هر یک شرحی مینگاریم این الواح و نیز نفس
 کتاب مستطاب اقدس از قلم مرکز میثاق جلیل
 سلطانه به خواتم الواح و کتب ملقب شده‌اند
 قوله الاعلیٰ: "در الواح تجلیات و اشراقات
 و بشارات و کلمات که قبل از صعود مبارک بعدت
 قلیله نازل و از خواتم الواح است ملاحظه کنند
 کتاب شریعت الهیه این حزب بهائسی
 کتاب اقدس است و او خاتم کل کتب و بنص قاطع

ناسخ احکام بیان * (لوح مبارک بافتخار
جناب فلاعلی اکبرایادی امرالله)

این آواچ معینه متممه کتاب اقدس
بتصریح حضرت ولی امرالله در گام پاسزهای
عبارتند از الواح اشراقات - بشارات -
طرزات - تجلیات - کلمات فردوسیه - لوح
اقدس - لوح دنیا و لوح مقصود (کتاب قمرن
بدیع جزه دوم ص ۲۹۸) و فرموده هیگل اطهر
" در عداد اعلی و ابهی شعرات جنبه آن
خزانه علم الهی و هدف غائی و کمال نهائی
رسالت چهل ساله آن جمال مبین است "
(ماخذ اخیر الذکر)

لوح مبارک اشراقات که آنرا با کتاب
مجموعه اشراقات نباید اشتباه گرفت به افتخار
جلیل خوئی که بعدها از جمع اهل بهاء مطرود
گردید نازل شده است و شامل مسائل مهمه ای
در خصوص عصمت مظاهر الهیه و مقام امانت و
صداقت و اتحاد و اتفاق عبد و صلح اکبر و دو
رکن نظم عالم مجازات و مکافات و لزوم اجرای -
حدود الهی و اهمیت و اعظمیت تعلیم و تربیت
اطفال و وظائف رجال بیت عدل الهی و لزوم
رعایت حرمت دین و وسیله اهل ثروت و اصحاب
عزت و قدرت است و حکم جواز ریح نقود نیز
در آخر این لوح مبارک نازل شده است .

لوح مبارک بشارات جاوی تعالیم و حیدودی
چون معاشرت با احزاب عالم بروج و ریحان -
تجویز تعلیم السن مختلفه - امانت و صدق و
صفای اهل بهاء نسبت به دولت متبوع -
صلح اکبر - اختیار عباد در ترتیب البسه
و لحنی و اصلاح آن - استغفار عند الله و منع
رهبانیت - تجویز تحصیل علوم و فنون مثبتیه
و جوپ اشتغال به کار و صنعت - وظائف بیت
العدل الهی و منع شد رحال برای زیارت

اهل قبور است .

در لوح منبع طرازات مباحثی چون عظمت
امرالله - لزوم معرفت انسان به نفس خود -
معاشرت با دیان به روح و ریحان - حسن خلق
انسان - مقام امانت و دانائی مطرح است .
لوح مقدس تجلیات به افتخار جناب استاد
علی اکبر شهید یزدی است مشارالیه در واقع
هائله شهدای یزد مورخه ۱۳۲۱ هجری قمری
بدرجه منیع شهادت عظمی فائز گردید .
خدمات فنناپذیر آن شهید مجید در مطاوی
کتب تاریخ امریهائی به تفصیل درج است .
این لوح مبارک علاوه بر بیاناتی در خصوص
مفتریات اعداء امرالهی شامل مباحثی چون
عرفان سلطان قدم و معرفت اسم اعظم و استقامت
بر امرالله و مقام علوم و فنون و صنایع است .

مخاطب لوح افخم کلمات فردوسیه مبلغ مخلص
شهیر بهائی جناب حاجی میرزا حیدرعلی
اصفہانی مؤلف کتاب نفیس بهجه الصدور است
این اثر جلیل (کلمات فردوسیه) علاوه بر
مطالبی در باره لزوم اجتناب از اوهام و نییز
بمان شرایط مبلغین مشتمل بر نکاتی در خصوص
خشیه الله - لزوم تمسک ملوک و سلاطین و روسا
و امراء و علماء و عرفاء به دین - مقام و مرتبت خرد
و عدل و داد - عدم قبول انزوا و ریاضات شاقه
در ساحت الهی - لزوم توجه به یگانگی لزوم
تکلم به دلسان مادری و جهانی و اعتدال در
امور است و ضمن همین لوح مبارک است که
میفرمایند : " اسباب عجیبه غریبه در ارض موجود
ولکن از افئده و عقول مستور و آن اسبابی است
که قادر است بر تبدیل هوا ارض کلبها و سمیت
آن سبب هلاکت سبحان الله امر عجیبی مشاهده
گشت برق یا مثل آن قائد است و به امر او حرکت
مینماید . "

نمود تا در خاتمه مقال بدرج آن مبادرت نماید
 ولكن چون خطاب بیت عدل اعظم الهی به جمع
 اهل بها رسید که در رضوان سنه ۱۳۰ بدیع
 این مهم که مدتی است وسیله آن مرجع اعلی
 انجام شده بر یاران رحمان افاضت خواهد
 شد شایسته دید از درج فهرست مذکور
 خود داری کند و بجا دانست در توضیح
 محتوای ام الكتاب در بهائی به نقل بیسان
 هیکل اطهر حضرت ولی امرالله در اثر جلیل
 خویش گاد پاسزبای پردازد لذا عیناً ترجمه
 بیانات مبارکه از صفحه ۲۹۲ الی ۲۹۸ جز
 دوم کتاب قرن بدیع درج میگردد لیکن ختامه
 مسکا.



لوح اقدس بشرحی که قبلاً مذکور افتاد به
 افتخار قسیس فارس سوری نازل گردیده است
 در این لوح مبارک خطابات مهینهای به ملت
 روح خصوصاً علمای مسیحی فرموده و تحقیق
 بشارات وارده در کتب مقدسه من جمله انجیل
 را بدانان اظهار و اعلام مینمایند.

لوح مبارک دنیا در سال ۱۳۰۸ هجری
 قمری و در حقیقت به افتخار جناب ملاعلی اکبر
 ایاری و حاجی ابوالحسن امین اردکانی نازل
 شده است. شرح احوال این دو نفس جلیل به
 تفصیل در تاریخ امرالله مثبت و ذکر خدماتشان
 جاودانه است. این دو شخص بزرگوار در آن سال
 محبوس و محاط در بلایا بودند که لوح امنیع
 ابهی نازل گردید. در آغاز لوح چنین نازل
 قوله الاعلی: "حمد و ثنا سلطان مبین را لایق
 و سزااست که سجن متین را به حضور حضرت علی
 قبل اکبر و حضرت امین مزین فرمود و بانسوار
 ایقان و استقامت و اطمینان مزین داشت علیهما
 بها الله و بها من فی السموات والارضین."

لوح مقدس دنیا که در جمع اهل بها به
 لوح العالم نیز مشهور گردیده حاوی مسائل
 مهمه ایست که از جمله توان وحدت لسان و لزوم
 تمسک به اتحاد و نیز اشتغال به حرفت و صنعت
 را مذکور داشت.

لوح مقصود در نهم صفر سال ۱۲۹۹ هجر
 قمری به افتخار میرزا مقصود ساکن قسندس
 شریف و در پاسخ مرقوماتو اشعار مدحیه تقدیمی
 وی نازل شده و توان گفت که حاوی چکیدهای از
 تعالیم سامیه جمال قدم جل اسم اعظم
 است.

در خاتمه معروض میدارد که نویسندگ مدتی
 کوشید تا فهرستی بالنسبه جامع از مطالب وارده
 در کتاب مستطاب اقدس فراهم کرد و فصل بندی



کتاب اقدس سرور از انتقال جمال اقدس ابهی به بیت عودی خمار
(در سال ۱۸۷۳ میلادی) در ایای که هنوز آن وجود مبارک از طرف
دشمنان خارج و دوستان داخل هردو بمصائبی منتهی محاط و
گرفتار از سما * مشیت رحمانیه نازل گردیده است * این سفر کریم
مخزن لثالی الهیه و منبع فیوضات سبحانیه نظر بوضع اصول و تعالیم
ضعیفه و تأسیس مؤسسات بدیعه و تحیین وظایف مقدمه مرجوعه
بجانشین شارع قدیر در بین صحف و اسفار سماویه بی نظیر و مثیل
و عدیل است زیرا بر خلاف توراة و سایر زبر آلهیه که قبل از آن کتاب

نازل و در هیچیک اوامر و دستورات شارع شریعت و حامل رسالت
 ربانیه به نحوی که خود بیان فرموده بدون و مسطور نیست و برخلاف
 انجیل که در آن کلمات و بیانات معدودی که بحضرت مسیح نسبت
 داده شده هیچیک حائز دستور صریح و روشنی نسبت بطرز اداره ...
 امور آتیه آن دیانت نمیشد و حتی برخلاف قرآن که با وجود صراحت
 و قطعیت احکام و حدود منزله از لسان پیغمبر اکرم در مسئله خطیر
 و مهم خلافت ساکت و صامت باقیمانده کتاب مستطاب اقدس من البذر
 الی الختم از قلم شارع مقدس این دور اعظم تنظیم و تدوین گشته
 و این سفر تویم نه تنها شامل احکام و قواعد و حدود و فرائضی است که
 نظم بدیع الهی بر آن قائم و مؤسس است بلکه وظیفه مقدسه تبیین
 و تفسیر آیات را که بمرجع منصوص و بین مخصوص محول گردیده همچنین
 مؤسسات ضروریه ای را که حافظ وحدت و جامعیت امر الهی است -
 تعیین و تنصیف مینماید .

در این منشور مدنیّت جهانی مؤسس و واضح مقدسش که باوصاف
 والقباقاضی القضاة " و " شارع اعظم " و " منجی و متحد کننده -
 عالم " موسوم و موصوف تأسیس " ناموس اکبر " را بملوک و سلاطین
 ارض ابلاغ و آنان را " ملوک " و خود را " ملک الملوک " میخوانند و
 بصراحت بیان اعلام میفرماید که حق جل جلاله اراده تصرف ممالک
 آنها را نداشته بلکه برای تقلیب نفوس و تسخیر مدائن قلوب ظاهر
 شده است و علما و روسای ادیان را تحذیر میفرماید که " کتاب الله

را با اصول و موازین مصطلحه قوم قیاس ننمایند و در شأن آن میفرماید
 "انه لقسطاس الحق بین الخلق". در آن سفر کریم مؤسسه عظیم الشان
 "بیت العدل" را انشا و وظائف مخصوصه آن را تعیین و ارادات
 آن را مشخص و اعضا آن را بعنوان "رجال عدل" و "وکلاء الله
 و" اما "الرحمن" تسمیه میفرماید و همچنین مقرامرو مرکز عهد و
 پیمان خویش را تلویحاً تعیین و اختیار تبیین آیات و تفسیر کلمات
 کتاب را بفرع مشعب از اصل قدیم مفوض مینماید و نیز مؤسسه ولایت
 امر را با اشاره ضمنی پیش بینی و توه نفاذه دافقه نظم بدیجش را
 تبشیر و مقام عظیم و منبع "عصمت کبری" را توضیح و اختصاص و
 تعلق آن را بمظاهر مقدسه آلهیه تشریح و عدم امکان ظهور مظهر
 امر و شارع جدیدی را قبل از اتمام الف سنه کامله تصریح میفرماید.
 در این کتاب مقدس قلم اعلی صوم و صلوة را واجب و حکم نماز
 جماعت را جز در صلوة میت مرتفع و قبله اهل بها را تعیین حقوق الله
 و احکام ارت را تشریح و مؤسسه مشرق الاذکار را تثبیت و ضیافتات
 نوزده روزه را مقرر و اقامه ضیافت و اطعام را در ایام زائده که به
 ایام ها مذکور و موصوف گردیده تنصیح میفرماید و نیز پیشوائی و
 ریاست روحانی را نسخ و حمل ریاضات و انزوا و ارتقا بر منابر و اقرار
 بمعاصی نزد خلق را نهی و بیع اما و غلمان و تکدی و تقبیل ایادی
 و غیبت و افترا و میسر و شرب افیون و خمر و سایر مسکرات را حرام
 میفرماید بطالت و کسالت را سردود و طلاق را مذموم و آزار و تحمیل بر

حیوان را ممنوع می‌شمارد احکام قتل نفس و حرق بیت و ارتکاب فحشا و سرقت را تعیین و امر ازدواج را تشویق و اصول و شرایط آن را تبیین و اقتناع بزوجهٔ واحده را تصریح می‌فرماید اشتغال بکسب و کار و صنعت و اقتراف را واجب و آن را نفس عبادت پروردگار محسوب می‌داند لزوم تربیت و تعلیم اولاد همچنین تنظیم وصیت نامه و اطاعت محضه حکومت - متبوعه را تأکید مینماید .

علاوه بر احکام و فرائض مذکوره حضرت بها^۱ الله در این سفر شیع پیروان امر بدیع را بنصایح آلهیه و مواعظ و حکم ربانیه دعوت - می‌فرماید که با جمیع اهل ادیان بکمال روح و ریحان معاشرت نمایند تحصی و فساد و نزاع و جدال و غرور و استکبار را منع و به تقوی و - طهارت و عفت و امانت و صدق و صفا و مهر و وفا و صبر و اصطبار و عدل و انصاف دلالت و نصیحت می‌فرماید و اهل بها را باین کلمه مبارکه علیا که از مخزن قلم اعلی نازل هدایت می‌فرماید که " کونوا کالاصابع فی - الید و الارکان للبدن " و همچنین بقیام بر خدمت امر و ارتفاع شریعه^۲ مقدسه آلهیه تشویق و آنان را بنصرت محتومه رحمانیه مطمئن و - مستظهر مینماید بانقلاب امور اشاره نموده و حریت حقیقی را در - اتخاذ و اتباع سنن و اوامر ربانی می‌شمارد و نصیحت می‌فرماید که در اجرای حدود و مقررات آلهیه آنان را رأفت اخذ ننمایند و مقدم بر کل دو وظیفهٔ اصلیه و فریضهٔ اساسیه را که عرفان مشرق و وحی و مطلع امر آلهی و اتباع از حدود و احکام مقدسه یزدانی است تصریح و

بنهایت تأکید اعلام میفرماید که این دو اصل اصیل پیوسته ملازم
یکدیگر بوده و هیچیک از آن دو بدون دیگری در ساحت قدس الهی
مدوح و مقبول نه " لایقبل احد هما دون الآخر "

دیگر از مسائل مهمه و حقایق بدینه مندرجه در این سفر جلیل
خطبات منیعه ایست که بر رؤسای جماهیر قاره امریک صادر شده و در
آن خطبات شارع قدیر آنان را دعوت میفرماید که یوم الله را مختم
شمارند و هیکل ملک را بطراز عدل مزین دارند و نیز اعضا مجالس
شور عالم را تعلیم میفرماید که یک لسان و خطعمومی اختیار کنند
و یلهلم اول امپراطور فاتح و غالب آلمان را از غرور و نخوت تحذیر و
فرانسوا ژرف امپراطور اطیش را بغفلت و قنوت خویش متوجه میفرماید
به " حنین برلین " اشاره نموده و " شواطی نهرین " را بانذارا
شدیده مخاطب میسازد با استقرار " کرسی ظلم " در بدینه کبیره و
فنا " زینت ظاهره " و محن و بلا یائی که سکان آن را احاطه
خواهد کرد اخبار مینماید . ارض طامولد جمال اقدس الهی را بخطاب
روح بخش و تسلیم آمیز " یا ارض الطا * لا تحزنی من شئی قد جعلک
مطلع فرح العالمین " مستبشر و امیدوار میفرماید به " صوت رجال
خراسان در ذکر خداوند رحمن و ظهور اصحاب " باس شدید " در
ارض کرمان که بارتفاع امر الهی در آن سرزمین قیام خواهند نمود و عده
میفرماید و بصرف فضل و عطا برادر بیوفائی را که چنان ظلم و عدوان در
حق آن جوهر محبت و وفا پسندیده مطمئن میسازد که اگر چنانچه

از غرور و استکبار بگذرد و بساحت قدس الهی رجوع و استعفار نماید
خد اوند " غفور و کریم از سیئات او درگذرد و مشمول عفو و غفران خویش
نماید . این مسائل و حقایق مندرجات کتاب مقدسی را که از قلم شارع
عظیم بالقاب فخیمه " فرات الرحمه " و " قسطاس الهدی " و " صراط
الاقوم " و " حیوة العالم (۱) " ملقب و موصوف گردیده است تکمیل
مینماید .

جمال اقدس الهی احکام و حدود آلهیه را که مشتمل بر قسمت
اعظم این کتاب مبین است به " روح الحیوان لمن فی الامکان " و " .
حصن حصین (۱) " و " انمار سدر " امرالله (۱) " و " السبب -
الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم " و " مصباح الحکمه والفلاح " .
و " عرف قمیص " و " مفاتیح رحمت " الهی برای عباد تعبیر و توصیف
نموده است و نیز در شان این صحیفه علیا میفرماید " قل ان الکتاب
هو سطره قد زیناها بانجم الاوامر والنوامی " و همچنین " طوسی از
برای نفسی که آن را تلاوت نماید و در آیات منزله از ساحت خداوند
مقتدر کریم تأمل و تدبر کند بگوای مردمان بید قبول آن را اخذ نمائید
قسم بجانم که این کتاب بشارتی نازل شده که عقول انسانی را متحیر
نماید این است اعظم گواه من برای اهل عالم و اقوی دلیل خداوند
رحیم برای من فی السموات و الارضین (۱) . " و نیز میفرماید " خوشا
بحال ذائقه ای که حلاوت آن را درک نماید و دیده ای که اسرار
(۱) ترجمه

مودعه در آن را مشاهده کند و قلبی که اشارات و رموز آن را بیابد
 قسم بخدا بیانات ضمیمه و اشارات مستوره آن بدرجه ای عظیم
 است که فرائض عالم از تفصیل و تشریح آن مرتعش و مرتعد گردد (۱)
 و بالاخره میفرماید " کتاب اقدس شائق نازل شده که جاذب و -
 جامع جمیع شرایع الهیه است طوبی للقارئین طوبی للمعارفین طوبی
 للمتفکرین طوبی للمتفلسفین و بانبساطی نازل شده که کل را قبیل از
 احاطه نموده سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذه و اقتداره " .
 پس از نزول کتاب مستطاب اقدس و تشریح حدود و احکام
 الهیه الواح شمالیه دیگری نیز از یراعه مشیت مالک بریه عز نزول
 یافت که در آن صحائف مقدسه اصول و مبادی سامیه این امر اعظم
 تشریح و بعضی از تعالیم و احکامی که از قبل از قلم اعلی نازل شد
 بود تبیین و تکمیل گردید و در این الواح بدیعه منیعہ بشارات و -
 انذارات جدیدی از سما * اراده * رحمن ظاهر و پاره ای اوامر و نواهی
 که فی الخقیقه مکمل حدود و احکام کتاب اقدس محسوب است وضع و
 مقرر گردید از آن جمله است الواح اشراقات و بشارات و طرازات و
 تجلیات و کلمات فردوسیه و لوح اقدس و لوح دنیا و لوح مقصود .
 این اسفار جلیله که از آثار عظیمه و اخیره قلم خستگی ناپذیر
 جمال اقدس ربیبی محسوب در عداد اعلی و ابهی ثمرات جنیه آن -
 خزانه علم الهی و هدف غائی و کمال نهائی رسالت چهل ساله آن

جمال مبین است .

(۱) ترجمه

د کتر توکل عنقائی

روز عید رضوان است
جشن اهل ایمان است
شاه لامکان امروز
بر سریر امکان است
د رکلام حق این عید
عید حق سبحان است

چونکه د رچنین روزی
اصل نار و نور آمد
مظهر ظهور آمد
با بهاء الابهی گو

مژده باد یاران را
نور کوه طور آمد
یعنی از سواد نسور
نور، فوق نور آمد
مالک ملک غیب
یهوه غیور آمد

بر دل این ندا از عرش
با چه شوق و شور آمد
مظهر ظهور آمد
با بهاء الابهی گو



بین چگونه از مشرق
شمس حق درخشیده
بر جمیع اهل ارض
نور محض پاشیده
از ضمیر خود هر کس
خار شك تراشیده

سینه‌اش چو آئینه
مستضیء ز نور آمد
مظهر ظهور آمد
یا بهاء‌الابهی گو

البشارت‌ای یاران
خیم باد در جوش است
زین رحیق رحمانی
عالی قدح نوش است
بی هُش از چنین باد
باد رایت و هوش است

بیل ز جمله باهوشان
هوش او وفور آمد
مظهر ظهور آمد
یا بهاء‌الابهی گو

صور امر اعظم را
گوش هر که بشنیده
از مقابیر اموات
پای دل فرا چیده

جام باده هستی

جاودانه نوشیده

ساقی بقا امروز
با می ظهور آمد
مظهر ظهور آمد
یا بهای الاهی گو

مژده باد باران را
خاصه اهل ایران را
آنکه رشك رضوان كرد
این خراب و ویران را
آنکه روشن از رویش
ساخت چشم کیهان را

با جلال سبحانی
با سپاه و صور آمد
مظهر ظهور آمد
یا بهای الاهی گو

مفخر جهان و جان
خاک پاک ایران است
چونکه از چنین مطلع
نور حق نمایان است
پای فخر این ملت
بر فراز کیهان است

چشم عالم از این خاک
بر جلا و نور آمد

مظهر ظهور آمد
با بهاء‌الابهی گو

اقدس مقدس را
حق به این چنین روزی
بر جهانیان فرمود
از خزاننش روزی
بر همه مبارک باد
این عطاء و فیروزگی

بی نصیب از این روزی
هر که با فرود آمد
مظهر ظهور آمد
با بهاء‌الابهی گو

این ترانه را عنقا
با خلوص کامل گفت
تهنیت احبا را
از سراجبه دل گفت
تیرشان بجه اهداف
نشر امر و اصل گفت

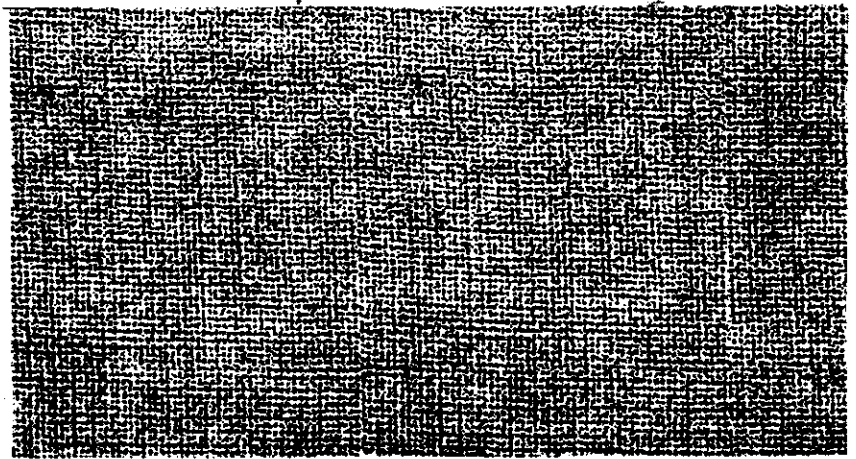
ای بهائیان امروز
وقت عیش و سرور آمد
مظهر ظهور آمد
با بهاء‌الابهی گو

کتاب اقدس

در تابستان سال ۱۳۴۸، جمعی از جوانان مدینه طهران در محضر فاضل جلیل جناب اشراق خاوری کلاسی ترتیب دادند تا کتاب مستطاب اقدس را زیارت و در مورد معانی و مفاهیم آیات مبارکه مندرجه در این سفر کریم مطالعه و مذاقه نمایند. در جلسه افتتاحیه این کلاس که روز دوشنبه هفتم شهرالرحمه ۱۲۶۰ بدیع مطابق نهم تیرماه ۱۳۴۸ تشکیل شد، جناب اشراق خاوری مقدّماتی در باره محل نزول، تاریخ نزول، مقام و مرتبت این کتاب مبارک در میان آثار مبارکه و مطالب مهمه مندرجه در آن، در حد و دی که مقتضای کلاس مزبور بود، بیان فرمودند. این گفتار روی نوار ضبط شد و اینک با اندک تغییری در آن درج میگردد. متصفاً عبدالی الله جناب اشراق خاوری در مورد کتاب مستطاب اقدس تحقیق و مطالعه بسیار داشته و حاصل این مطالعات در کتابی مفصل در پنج جلد بنام "الطراز الاطلس للکتاب الاقدس" گرد آمده است که کتاب گنجینه حدود و احکام خلاصه‌ای از آن کتاب مفصل است. اکنون که سالی از صعود آن محقق برجسته میگذرد، با درج این مقاله یادش را عزیز میداریم.

آهنگ بدیع

جناب اشراق خاوری



دلیل است که چون در کتاب مستطاب اقدس ذکر مسافرت ملك نمسه به اراضی مقدسه شده و سال این مسافرت معلوم است لهذا کتاب مستطاب اقدس در حدودی نازل شده است که این مسافرت اتفاق افتاده بود. یعنی تقریباً در اواخر سال ۱۲۸۶ ه. ق. از جمله مطالبی که در کتاب مستطاب اقدس ذکر شده است مسأله سقوط ناپلئون سوم امپراطور فرانسه است که با کمال ذلت و بدبختی از سریر سلطنت حکمرانی ساقط شد و بعد از تحمل زجر و مشقت بسیار وفات یافت. البته در کتاب اقدس خطاب اصلی به قیصر آلمان است که میفرمایند *متذکر باش، متنبه باش، ندای الهی را بشنو و از امر الهی اعراض مکن، مغرور به جاه و جلال سلطنت و حکمرانی خود مشو، زیرا قبل از تو سلاطین بسیاری بودند دارای عظمت و جلال و آنها امر الهی را نشنیدند و با کمال ذلت به خاک فنا راجع شدند.*

میفرمایند "انکر من کان اعظم منک شاءنا" و اکبر منک مقاما" این هو و امثالهم" و مقصود از این بیان مبارک همان ناپلئون سوم امپراطور فرانسه است. سقوط امپراطوری این شخص در سال ۱۸۷۰ و کسری بود که مطابق میشود با سال ۱۲۸۷ ه. ق. ذکر این جریان

کتاب مستطاب اقدس در سجن اعظم در عکا در اواخر سال ۱۲۸۶ ه. ق. از قلم مبارک نازل شده است. محل نزول کتاب اقدس در بیت عبود بود که الان در سجن اعظم مشهود و معین و محل زیارت زائرین ارض اقدس است.

از جمله مطالبی که دلیل است برای اینکه آغاز نزول کتاب مستطاب اقدس در سال مزبور بود است مطالبی است که در نفس کتاب مستطاب اقدس مندرج است. آغازش در آن سال بود ولیکن چقدر طول کشید تا کتاب اقدس بتمامه از قلم مبارک نازل شده درست معلوم نیست. در کتاب مستطاب اقدس ذکر مسافرت ملك نمسه "فرانسوا ژوزف" نازل شده است. این شخص که در آن ایام از جمله سلاطین معروف بود برای شرکت در جشن افتتاح کانال سوئز با سایر مشاهیر عالم به مصر رفت و بعد از اینکه مراسم افتتاح کانال خاتمه یافت برای زیارت مقامات متبرکه اورشلیم عازم ارض اقدس شد. افتتاح کانال در سال ۱۲۸۶ ه. ق. بود. در کتاب مستطاب اقدس خطاب به ملك نمسه میفرمایند که تو زیارت مقامات متبرکه در اراضی مقدسه آمدی. بیت را زیارت کردی و کسی از عرفان صاحب بیت محروم ماندی. این مسأله

در کتاب مبارک اقدس نشان میدهد که نزول کتاب اقدس تا حدود آن سال هنوز جریان داشته است. يك مطلب ديگر هم در کتاب مستطاب اقدس مذکور است که سال را تعیین میکند و آن عبارت از این مطلب است که در ضمن خطاب به یحیی ازل در کتاب اقدس میفرمایند "یا مطلع الاعراض مع الاغراض" که مقصود از مطلع اعراض یحیی است. وی را نصیحت میکنند متنبه باش میفرمایند که دست از سوئ نیست بردارد، دست از حسادت بردارد، مخالفت با حق نکند و با مرالله ساجد باشد و احکام الهی را خاضع و عامل شود. بعد برای تذکر او میفرمایند "قد اخذ الله من اغواك" میفرمایند ای یحیی متنبه شو. خداوند هلاک کرد آن کسی را که ترا گمراه کرد. مقصود از "من اغواك" سید محمد اصفهانی است که از اول ماه فتنه و فساد وبلا و اعراض بود. برای یحیی و امثال یحیی. و این شخص با چند نفر دیگر از پیروان یحیی که نهایت عناد و دشمنی را نسبت بامیر مبارک داشتند در سال ۱۲۸۸ ه. ق. در عکا بدست جمعی از احباب کشته شدند. قتل او سر و صدائی در عکا بجا کرد و حتی کار منجر شد به اینکه جمال مبارک را بدار الحکومه احضار و مورد استنطاق قرار دادند و حضرت عبدالبهاء را در محبس لیسان قریب ۶۰ ساعت محبوس کردند و خیلی اسباب زحمت شدند. چون ذکر کشته شدن سید محمد و هلاکت او در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است، از جریان معلوم است که تا اینسال هنوز نزول کتاب اقدس تمام نشده است. در هر حال نزول کتاب اقدس در اواخر ۱۲۸۶ ه. ق. شروع شده و شاید در آخر سال ۱۲۸۸ نزول آن با تمام رسیده باشد.

این بود شرحی درباره سال یا سالهائی که کتاب مستطاب اقدس از قلم مبارک در سجن عکا و در بهت عبود بتدریج نازل شده است. حال نکته دیگری را مورد توجه قرار دهیم. به بینیم که مقام و رتبه کتاب اقدس چیست و چگونه است. در الواح جمال مبارک که شاید متجاوز از پنجاه لوح باشد و بافتخار و اعزاز احبای ایران و غیر ایرانی نازل شده است راجع به کتاب اقدس بیانات مفصله ای میفرمایند. در يك لوح میفرمایند عنقریب احکام کتاب اقدس در شرق و غرب عالم جاری خواهد شد و سبب حیات و زندگی انسانی جاودانی افراد بشر خواهد شد، جامعه بشری را با اتحاد و وحدت و یگانگی در خواهد آورد و نور هدایت الهی را در شرق و غرب عالم منتشر خواهد کرد. و از این قبیل مطالب در الواح در خصوص کتاب اقدس بسیار است. در بعضی الواح از کتاب مستطاب اقدس بالقاب عظیمه متعدد های تعبیر شده است. در يك مقام میفرمایند "فوات الرحمه" فوات الرحمه لقبی است که جمال قدم در باره کتاب اقدس بیان فرموده اند و القاب مهمه دیگر: قسطاس اعظم ام الكتاب و امثال ذلك. درباره هیچیک از الواح مبارکه کلمه ام الكتاب اطلاق نشده و این ام الكتاب اختصاصاً از قلم جمال قدم در باره کتاب اقدس نازل شده است. خلاصه بسیار کتاب مهمی است و همین کتاب اقدس است که سرچشمه و منبع اصلی نظم بدیع الهی است زیرا در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند "قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم" میفرمایند هر نظم نظمی، هر قانونی که در عالم باشد متزلزل است ناقص است، سقیم است، نارساست مگر نظم الهی که در کتاب مستطاب اقدس اساسش ذکر شده است و بعد میفرمایند تمام انظمه سقیمه عالم

از بین خواهد رفت و نظم الهی که احکام کتاب اقدس و سایر شئونی که باجمال یا بتفصیل در این لوح مبارک ذکر شد است سبب حیثیات عالم خواهد شد .

حال به بنیم ، بطور اجمال ، که در کتاب اقدس چه مطالبی ذکر شد است . عده آیات کتاب اقدس ، به شمارهای که بنده خود در نهایت وقت انجام داده ام ۴۸۷ آیه است . باستثنای آیه عنوان کتاب اقدس که آیه " بسمه الحاکم علی ماکان وما یکون " میباشد . این شعر در نشده زیرا بمنزله عنوان است و از اول " ان اول ماکتب الله علی العباد " تا آخرین آیه ۴۸۷ آیه میشود .

مدرجات کتاب اقدس اولاً " یک سلسله مواظ و نصایح است . دلالت میفرمایند جامعه بشر را به توجه باخلاق نیکو ، صفات پسندیده ، مراعات با مردم ، محبت عمومی ، اجتناب از فتنه و فساد و غیبت و بدگویی و سایر شوون و اجتناب از انتقام جوئی و کینه جوئی و مطالبی از این قبیل که در سراسر کتاب اقدس به تناوب منتشر است . اینها یک سلسله از مطالب است . مطلب دیگری که در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است احکام فرعیه است . از قبیل صلوة و صیام و مراعات لطافت و نظافت و قیام به تبلیغ امر و وجوب تعلیم و تربیت فرزندان اعم از دختر و پسر و مساکله و مساکله و وظائف اعضا " بیت العدل اعظم و احکام ازدواج و طلاق و از این قبیل مطالب . بعضی از احکام مجمل است و شرحش در الواح دیگر نازل شده است و بعضی هم به تفصیل ذکر شد است .

مطلب دیگری که در کتاب مستطاب اقدس ذکر شد است آیاتی است خطاب به معرضین اهل بیان . یعنی نفوس که بعد از اظهار امر جمال قدم به عرفان حق فائز نشدند و راه امراض

و اعتراض پیمودند . شبهههایی ایجاد کرد و بودند و مورد م این شبهات را القاء میکردند و بوسیله این شبهات مانع عرفان عباد از وجود مقدس من بظهره الله بودند . مثل مساله مکتوب من بظهره الله که اگر خدا بخواهد در ضمن زیارت آیات کتاب اقدس در محل خودش بآن خواهیم رسید . این یکی از اعتراضاتی بود که معرضین بیان آنرا علم کرده بودند و همه جا میگفتند . در کتاب اقدس در ضمن آیات مفصله ای جواب این اعتراض بیانیها را فرموده اند .

در خاتمه همین موضوع است که بحیثی را با عنوان " یا مطلع الاعراض " مخاطب فرموده و او را نصیحت میکنند که دست از مخالفت بردارد و همانطور که عرض کردم با او متذکر میشوند که خداوند آن کسی را که تورا گمراه کرده بود یعنی سید محمد اصفهانی را هلاک کرد و از بین برد . تو مواظب باش که بهلاکت ابدی فائز نشوی و از عذاب ابدی برهی و به عرفان الهی مفتخر بشوی .

مهرسیم بیایاتی که جنبه انذار دارد : از جمله قیصر آلمان است که مورد خطاب آیات مبارکه قرار گرفته است . او را دعوت میفرمایند که بحق توجه کند و عرفان الهی فائز شود ، امر را تحقیق کند و مثل سلاطین معرض با اعتراض اقدام نکند ، بلکه از بیایاتی که بر معرضین قبل وارد آمده بود تذکر پیدا کند ، تنبه پیدا کند و حقیقت امر را بشناسد . و نیز انذار به ملک نمسه ، فرانسوا ژوزف شده است که مختصری در باره او عرض شد . روسای جمهور آمریکا را نیز طرف خطاب قرار داده اند و آنها را دعوت بحق و حقیقت میکنند . نصایح مشفقانه بیایها میفرمایند که همیشه راه عدالت و رعیت پروری را در نظر داشته باشند . و همچنین انذار سلطان

طوبى لمن توجه الى مشرق الاذكار

في الاسحار ذاكرا متذكرا مستغفرا

واذا دخل بقيد صامتا لا صغاء

آيات الله الملك العزيز الحميد

(آية ٢٦٤)

كتاب مستجاب القبول

قد كتب لمن دان بالله الديان ان
يعسل في كل يوم يديه ثم وجهه ويقعد
مقبلاً الى الله ويذكر خمساً وتسعين مرة
الله ايهي كذلك حكم فاطر السماء اذ
استوى على اعراش الاسماء بالعظمة والاقطار

(آية ٤٨)

(كتاب مطاب اقدس)

عبدالعزیز خلیفه عثمانی است. این مرد سسی و سومین خلیفه آل عثمان و معاصر بانا صبر - الدین شاه بود. کسیکه فرمان مسجونیت جمال قدم را امضا کرد همین شخص بود. از سال ۱۲۷۷ ه. ق. خلافت او شروع شد و تا سال ۱۲۹۳ ه. ق. ادامه داشت. دیگر از انذارات کتاب اقدس یکی هم راجع باسلامبول است که میفرمایند "یا ايتها النقطة الواقعة فسی شاطی البحرین" ای نقطه مهمی که در کنار دودریا قرار گرفته‌ای. مقصود اسلامبول است که در آن ایام پایتخت خلفای عثمانی بود. صریحا "انذار میفرمایند که عنقریب بذلت و خواری گرفتار خواهی شد. نفوسی که در تو ساکنند همه بنوحه وند به میبرد ازند و تو خود خراب و عزت از تو سلب خواهد شد. میفرمایند "اغرتك العزتک الظاهره" آیا این عزت ظاهره تو را مفروز کرده؟ یقین بدان که عنقریب از تو سلب خواهد شد. بعد راجع بسلطان عبدالحمید نبوت و پیشگوئی میفرمایند. میفرمایند "یا معشر الروم نسمع بینکم صوت الیوم". در جغرافیای سابق و در اصطلاح عرف مردم بخاک عثمانی - میگفتند مملکت روم (که اینک دریای مدیترانه را میگفتند دریای روم). میفرمایند یا معشر الروم". یعنی ای مردم مملکت عثمانی، "نسمع بینکم صوت الیوم"، صدای بوم را در بین شما میشنویم. مقصود از بوم سلطان عبدالحمید است که مقرر بود است بعد از گذشته شدن سلطان عبدالعزیز بخلافت برسد.

یک سلسله بشارات هم در کتاب مستطاب اقدس هست. بشارت بارض طاکه طهران باشد که میفرمایند لحظات عنایت الهی هیچگاه از تو دور نخواهد شد. زیرا تو محل تولد جمال قدم و اسم اعظم هستی. تو ای طهران محلی

هستی که حضرت من یظهره الله در تو متولد شده است. بعد خبر میدهند از انقلاب و اضطراب ایران و اینکه این انقلاب و اضطراب مدتی ادامه خواهد داشت تا وقتی که موقع معینی برسد و دوره اطمینان فرا رسد. "سوف یاخذک الاطمینان بعد الاضطراب" همچنین بشارتی راجع بسرزمن خراسان است. با خطاب "یا ارض الخاء" میفرمایند ای سرزمین خراسان ما صدای رجال الهی را از تو میشنویم. عنقریب رجالی مبعوث خواهند شد که با مرشد متها خواهند کرد والی آخر. راجع به سرزمین کرمان اول انذار میفرمایند. که ای سرزمین کرمان در باطن تو سروصداهائی بلند است. یعنی نفوسی فاسد و مفسد از تو ظهور خواهند کرد که سبب تزییع امرالله خواهند شد و خودشان را رادع امر الهی خواهند پنداشت و بعد میفرمایند مطعن باش ای ارض کرمان که عنقریب نفوسی اولوالبعث شدید یعنی شجاع، نیرومند، قوی، علاقمند و جانفشان از تو ظاهر خواهند شد و امر الهی را نصرت خواهند کرد.

نام یکی دوتن از علماء هم در کتاب اقدس ذکر شده است یکی ذکر حاج کریمخان کرمانی است. میفرمایند، این مرد مدعی مقامی بود و مظهر امر الهی او را براه حق و حقیقت دعوت کرد، الواح برایش فرستادند، آیات برایش فرستادند ولی او اعراض کرد و بحق نائل نشد. یکی هم شیخ محمد حسن پیشوای شیعیان بود که در آن ایام در نجف ساکن و معروف بشیخ نجفی بود. لقب این شخص یا بهترین گوئی - شهرت این شخص صاحب جواهر الکلام است و باختصار میگویند شیخ محمد حسن صاحب جواهر". جواهر یا جواهر الکلام کتابی است بسیار مفصل در فقه شیعه که شیخ محمد حسن

نجفی در شش جلد بسیار قطور تالیف کرده است و این کتاب در شرح کتاب شرایع الاسلام مرحوم محقق است. کتاب شرایع الاسلام از کتب معروفه فقه شیعه است که خیلی شسته و رفته و جامع تمام ابواب فقه را از کتاب الطهاره تا کتاب النکاحات شامل است. شیخ محمد حسن کتاب شرایع را که خود کتاب مفصلی است شرح کرده است. شش جلد خیلی مفصل تالیف کرده و چاپ رسیده و در نجف و کربلا هنوز هم طلاب علوم دینی از جمله کتبی که باید مطالعه کنند و بخوانند یکی هم همین کتاب "جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام" است. جمال مبارک میفرمایند پادی از شیخ حسن صاحب جواهر کن که این مرد خیال میکرد عالم است، دانشمند است. عمرش را صرف کرد بتالیف کتاب فقه و اصول. ولی وقتی که حقیق ظاهر شد ندای حق را نشنید. موفق بایمان با امر مبارک نشد. لذا تمام زحماتش هدر شد و از بین رفت. و در ضمن ذکری از جناب ملامحمد جعفر گندم پاک کن اصفهانی فرموده اند: میفرمایند ملاحظه کنید شیخ محمد حسن با آن عظمت و کبریا و دانش محروم ماند ولی یک گندم پاک کن اصفهانی که خالص و مخلص بود بحقیق توجه کرد و با امر مبارک (الیه) در دوره حضرت اعلی (مومن شد). این ملامحمد جعفر که بسه گندم پاک کن معروف است در کتاب مبارک بیان هم ذکرش جاری شده است و این شخص همانست که در قلعه طبرسی در خدمت جناب قاسم و س بشهادت رسید.

مطلب دیگری هم ذکرش لازم است.

میدانیم کتاب الاقدس، اسمی است که حق روی این کتاب نهاد است و کتاب الاقدس بسیار لوح الاقدس نباید اشتباه شود. یک لوح الاقدس

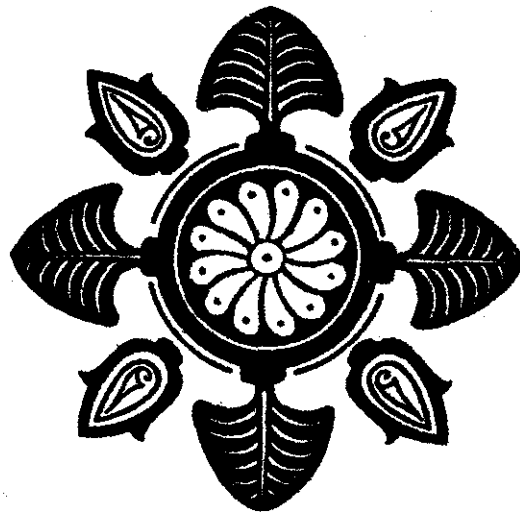
هست که از قلم جمال مبارک نازل شده و در کتاب مبین طبع شده است و تشابه اسمی با کتاب الاقدس دارد. برای اینکه مبارک این تشابه اسمی سبب اشتباه شود مختصری در باره آن عرض میکنم. نزول لوح الاقدس تاریخچه ای دارد: در ایامی که جمال مبارک در ادرنه تشریف داشتند، نبیل زرنده را امر فرمودند بروند به مصر برای تبلیغ امر و ماموریتی که بسا داده بودند. نبیل رفت طرف مصر و در آنجا بواسطه سعایت و اقدام مفسدانه قنصل ایران بحبس افتاد. این واقعه مقارن شد با سفر جمال مبارک از ادرنه بطرف عکا. حکم حکومتی صادر شد که جمال قدم و یاران و اصحاب و عائله مبارک بروند به عکا. بعد از مصیبتهای بسیار وسائل ناقص حرکت فراهم شد و جمال مبارک با عائله و مامورین دولتی از ادرنه بطرف عکا حرکت کردند، تا رسیدند به اسکندریه، محلی که نبیل در آنجا محبوس بود. نبیل وقتی وارد زندان شد، بود خیلی غمگین بود. یک هم زندانی داشت که کشیشی بود مسیحی بنام فارس الخولسی نبیل در زندان با وی دوست شد و مذاکرات امری کرد تا وی بظهور پدر آسمانی و رجعت مسیح و سایر نبواتی که در انجیل مذکور است مومن شد. روزی کشیش برای انجام کاری که داشت بهرون رفت و نبیل چند ساعتی تنها ماند. دلش گرفته بود. پشت پنجره محبس نشسته بود و کوجه را تماشا میکرد. با خود زمزمه میکرد و در یاد ایام تشریف بحضور جمال مبارک بود ناگهان دید کسی از جلو پنجره رد شد که بنظرش آشنا بود. خوب نگاه کرد دید آقا محمد ابراهیم ناظر است. آقا محمد ابراهیم کسی بود که در ادرنه ناظر خرج جمال مبارک بود. یعنی مخارج زیر نظر وی اداره میشد و لهذا بسه

ناظر موسوم بود . نبیل از دیدن وی تعجب کرد و صدا زد " آقا محمد ابراهیم" . . " آقا محمد ابراهیم" . وی متوجه شد و آمد پشت پنجره زندان و نبیل جوپای حال شد . آقا محمد ابراهیم گفت جمال مبارك را حکومت حرکت داده و قرار است الان کشتی عوض کنند و من آمده ام با ما مورین دولتی که بعضی احتیاجات را بخرم و بخرم به کشتی . این مژده بزرگی بود برای جناب نبیل اما جلوش میله های آهن بود و نمیتوانست پرواز کند ، از حبس بیرون بیرون و بحضور جمال مبارك شرف شود . ولی با همین شنیدن خبر ورود جمال مبارك باسکله اسکندریه روح جدیدی در نبیل پیدا شد از جا برخاست و شروع کرد به رقص و شعر گفتن (نبیل کارش این بود که هر وقت خیلی مسرور یا خیلی غمگین بود شعر میگفت) . در این بین جناب کشیش وارد شد . دید نبیل طوری بگری شده گفت برادر چه شده ؟ چرا اینقدر خوشحال و مسروری ؟ نبیل آغوش باز کرد و کشیش را در بغل گرفت و غرق بوسه کسرد (حالا نبوس کی ببوس) . او را هم با خود در رقص و پایکوبی شریک کرد . کشیش مرتب میپرسید برادر چه شده ؟ بمن هم بگو . ولی نبیل مرتب شعر میخواند و مشغول ذکر الهی بود . تا بالاخره ماجرا را گفت . گفت که جمال مبارك با ما حکومت با اصحاب و همراهان در اسکله هستند و قرار است بروند به عکا . و نغمه رقصند بالای پشت بام زندان و از دور کشتی را مشاهده کردند . کشیش به نبیل گفت که کاش کسی پیدا میشد و من نامه ای مینوشتیم و او عریضه مرا بحضور مبارك تقدیم میکرد . نبیل گفت . تو نامه را بنویس ، خدا بزرگ است . جناب کشیش نامه ای نوشت خیلی مفصل (البته بحریمی در جبهه) و منتظر شد کسی پیدا شود . تصادفاً

جوانی از آشنایان کشیش بنام کنستانتین به ملاقات وی آمد . نبیل و کشیش بسیار مسرور شدند کشیش به کنستانتین گفت که : خدا ترا رسانده این نامه را بگیر و ببر لب دریا در کشتی سراغ میرزا آقا جان خادم را بگیر و نامه را بآویز . کنستانتین نامه را گرفت و رفت . نبیل و کشیش باز رفتند روی پشت بام تا جریان را تماشا کنند کنستانتین رسید لب دریا . کشتی لنگر انداخته بود . سوار قایقی شد و بطرف کشتی حرکت کرد . ناگهان نبیل و کشیش که از روی بام ناظر بودند ، دیدند که کشتی حرکت کرد و قایق با او نرسید . فریاد کشیش بلند شد و زار گریست . نبیل هم شادش به غم تبدیل شد و بگریه افتاد . چشم بکشتی داشتند که در حرکت بود و قایق هم بدنبال آن در حرکت . ناگهان مثل اینکه پشامدی شده باشد کشتی ایستاد . گویا ناخدای کشتی مشاهده کرد که قایق بسرعت در پی آن روان است و فهمید کاری دارد لهذا امر کرده بود کشتی متوقف شود . کنستانتین بکشتی رسید . میرزا آقا جان را پیدا کرد و نامه کشیش فارس الخسولی را باو داد و بهام عیودیت جناب نبیل زرنده را هم ابلاغ کرد . نامه بوسیله میرزا آقا جان حضور جمال مبارك تقدیم شد . امر فرمودند نامه کشیش را بعدای بلند خوانند و همه شنیدند در همان حین لوجی نازل شد خطاب به نبیل زرنده . حضرت عبدالبهاء غصن اعظم و حضرت میرزا مهدی غصن اطهر هم بستانه کنستانتین دادند که در آن چند تا دستمال ، چند شیشه عطر و مقداری گل خشکیده بود و فرمودند اینرا از طرف ما بده به نبیل زرنده و کشیش فارس الخسولی . نبیل و کشیش زرنده ان باین موهبت رسیدند .

جمال قدم دریاها را پیمودند، وارد حیفا شدند، و در محل آن سروها که الان معین است قدری استراحت کردند و بعد بطرف عکا تشریف بردند و در عکا پیاده شدند و پاچه مصیبتی راه را از لب دریا تا سجن اعظم طی کردند و در همه حین آیات عظمت و جلال از لسان مبارک جاری بود. حتی معروف است که همینطور که از کوچه و بازار تشریف میبردند بطرف محل سجن، مردم عکا که جمع شده بودند، جمال مبارک را بیکدیگر نشان میدادند و میگفتند "هذا الله العظیم". این خدای ایرانیان است. جمال مبارک در طی راه شاخه خشکیده‌ای در مقابل خود مشاهده فرمودند که آنرا با پا کنار زدند و فرمودند: "جزئیات وقایع این ایام از تاریخ ساقط نخواهد شد. حتی ذکر این شاخه خشکیده هم که در

مقابل پای من بود و آنرا بکنار زدیم در تاریخ امر ثبت خواهد شد. وقتی تشریف بردند در سجن و مستقر شدند، لوحی نازل شد خطاب به فارس کشیش و نام این لوح را فرمودند "هذا لوح الاقدس". این لوح بکشیش رسید و نسخه‌ای از آن در کتاب مبین مندرج است (شرح اجمالی این واقعه، و مقداری از عریضه کشیش و چند لوح از جمال مبارک در اینخصوص در گنج شایگان مندرج است، طالبان مراجعه کنند). پس لوح الاقدس با کتاب الاقدس نباید اشتباه شود. لوح الاقدس خطاب به کشیش فارس الخولی است که در عکا نازل شده و کتاب الاقدس، کتاب آسمانی است شامل احکام و دستورات الهی که باید تا مدت هزار سال جهان بشریت را اداره کند.





"قد انعمت الاشياء في بحر الطهاره في اول
الرضوان اذ تجلينا على من في الامكان
باسمائنا الحسنی وصفاتنا العلیا هذا من
فضلی الذی احاط العالمین لتعاشروا
مع الادیان وتبلغوا امر ربکم الرحمن هذا
لا کلیل الاعمال لو انتم من العارفين"
"کتاب مستطاب اقدس"

مخفف علی فیض



وهرشکوه وعظمت آن افزوده وقلوب یاران الهی
در شرق وغرب وجنوب و شمال جهان طافح از
سرور وحبسوراست. (۱)
خاتمه موفقیت آمیز نقشه نه ساله که
مجاهدین و مهاجرین عزیز در این مدت با سعی
و کوشش متعادی خود و مقاومت با مشکلات و
موانع زیاد بفتح نقاط جدید و تشکیل محافل
و جمعیتها و نقاط منفرد توفیق حاصل نموده
و بر تعداد پیروان اسم اعظم افزوده اند خود
موجب دیگری است که ارواح را باهتزاز آورد
است

صبا به تهنیت پیر میفروش آمد
که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد
هوا مسیح نفس گشت و باد نافه گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد

در این ایام مبارک به مناسبت گذشتن
یک قرن از نزول کتاب مستطاب اقدس نساموس
اکبر جامعه بهائی در سراسر جهان به تشکیل
محافل جشن و سرور پرداخته میمنت و مبارکسی
عید اعظم رضوان را صد چندان جلوه گری ساخته

کل امر مستتر من لدن مالک القدر الذی به
ات الساعه وانشق القمر و فصل کل امر محتوم

(۱) در کتاب مستطاب اقدس صفحه ۲۴ خطاب
بسلطین عالم نازل گشته: (یا معشر الملوک
قد نزل الناموس الاکبر فی المنظر الا نور و ظهیر

زیارت پیامهای روح بخش و بشارت و مژده های هیجان انگیز از ساحت منبع بیت العدل اعظم یکی راجع به تدوین قانون اساسی اعظم هیئت تشریحیه جامعه بهائی که حضرت ولی عزیز امرالله در توقیعات مبارکه به (ناموس اعظم) تسمیه فرموده اند (۲) و دیگری تنظیم و تدوین احکام منصوصه کتاب مستطاب اقدس (۳) و دیگری بشارت خرید قصر مبارک مزرعه اولین محلی که حضرت بهال الله جل ثنائه پس از نه سال مسجونیت در قلعه محصنه عکا بآنجا نزول اجلال فرمودند (۴) خاطر احوای الهی را بعنایات والطف غیبیه و تائیدات لاریبیه الهیه که بیش از پیش شامل اقدامات و فعالیتهای خستگی ناپذیر یگانه ملجاء و ملاز اهل بها بیت العدل اعظم الهی است بیشتر امید وارساخته است . اجتماع نمایندگان جامعه بهائی اعضای محافل روحانیه ملیه در ارض اقدس و تشکیل احتفال عظیم روحانی در جوار بقاع متبرکه علیا و تجدید انتخاب اعضای آن معهد اعظمی جهانپان ربه تحولات بزرگی که عالم بشریت را در آتیه نزدیکی به شناسائی یگانه پناهگاه تمدن مادی که بسرعت در پیشرفت و تقدم است امیدوار میسازد .

در این حال بشکرانه این موهبت عظمی و عنایات لاتحصی دست تضرع و ابتهال باستان غنی متعال برداشته و باین راز و نیاز دمساز

میشویم :

" پروردگارا تویی پادشاهی که امرت را جنود عالم منع ننمود . وسطوت ام از اقتدارت باز نداشت تویی آن کریمی که عصیان اهل امکان ملکوت غفرانت را منع ننمود رحمت بمشابه غیث هاطل برعاصی و مطیع نازل . ای رحیم بندگانت را از درهای بخششت منع نما و محسروم مساز تویی بخشنده و مهربان "

برای درك مقام قدرت و عظمت و نفوذ و خلاقیت امر مبارک حضرت بهال الله جلست عظمتی که چگونه سفینه الهی را که در عهد اعلی و عهد ابهی با امواج سهمگین مخالفت و معاندت دشمنان پرکین مواجه بوده هدایت فرموده و عاقبت آنرا بساحل نجات رساند مانند بهتر آنستکه باین قسمت از بیانات مبارکه حضرت عبدالبها توجه نمائیم :

قسمتی از خطابه مبارک در رمله اسکندریه در ماه ربیع الاول سال ۱۳۳۰ " امسال جمال مبارک و حضرت اعلی در زمانی ظاهر شدند که قوه قاهره دول زلزله بر ارکان عالم انداخته بود در محلی معتکف دور از عمار نبود . در قطب آسیا ظاهر شدند و اعدا بجمع انواع اسلحه مسلح بودند . حکایت قبیله قریش نبود . هر دولتی با پنجهزار توپ ده کرور لشکر در میدان حرب جولان میداد . یعنی جمیع دول در نهایت اقتدار بودند و جمیع ملل در نهایت

(۲) در توقیع مبارک ۱۰ صفحه ۱۸۴ " ناموس اعظم نظامنامه و قانون اساسی اعظم هیئت تشریحیه جامعه بهائی بکمال اتقان تدوین گردید .

(۳) در توقیع مبارک ۱۱۰ هدف یازدهم " تنظیم و تدوین احکام منصوصه کتاب مقدس اقدس ام الکتاب آئین بهائی ناموس اکبر میزان الهدی بین النوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات "

(۴) تلگراف مورخه ۱۷ مارچ ۱۹۲۳ بیت العدل اعظم الهی خطاب بعموم محافل روحانیه ملیه

قوت و عظمت اکبر بتاریخ رجوع نمائید از
 بدایت تاریخ الی یومنا هذا در هیچ عصر
 و قریں دول عالم باین اقتدار نبودند و ملل
 عالم باین انتظام نبودند در همچو وقتی شمس
 حقیقت از افق رحمانیت طلوع نمود . ولی در
 نهایت مظلومی وحید و فرید و بی معین و نصیر
 و قوای عالم بر مقاومت جمال مبارک دائماً
 قیام داشت . در موارد بلا هر مصیبتی بوجود
 مبارک وارد شد . بلیه‌ئی نماند که بنهایت درجه
 بوجود مبارک وارد نیامد جمیع تکفیر کردند
 تحقیر نمودند . ضرب شدید زدند . مسجون
 کردند . سرگون نمودند . و هاقبت در نهایت
 مظلومیت از وطن اخراج و نفی بعراق نمودند
 و باره با سلامبول و از اسلامبول بار سوم
 بر میلی منفی نمودند و بعد بخراب تریس
 قلعه‌های عالم مانند قلعه عکافرستانند و در
 آنجا مسجون نمودند . دیگر از این جا موقعی
 بدتر . اعظم برای نفی و حین متصور نمیشد .
 و سرگونی اعظم از این ممکنه . که چهار مرتبه و
 بالاخره در قلعه‌ئی مثل عکا مسجون کردند .
 چنین واقعه‌ئی یعنی چهار مرتبه نفسی از محل
 سرگونی بمحل نفی و از محل نفی بسجن اعظم
 افتد در تاریخ نیست . باوجود این در سجن
 در زیر زنجیر مقاومت به من علی الارض یعنی با
 جمیع ملوک و ملل فرمود . در وقتیکه در زیر چنگ
 و زجر آنها بود آن الواح ملوک صدور یافت
 و اندازات شدید شد و ابداً در سجن اعتنائی
 بدولتی نفرمودند . مختصر اینست که امرش
 را در سجن جهانگیر کرد . در زیر زنجیر آوازه
 کلمه الله بشرقی و غرب رساند و رایت ملکوت مرتفع
 نمود و انوارش ساطع گردید و جمیع قوای عالم
 مقاومت نتوانست . هر چند بظاهر مسجون بود
 ولی از سایر مسجونین ممتاز بود چه که هر مسجونی

در سجن ذلیل است . حقیر است . و قاعده
 چنین است . ولی او چنین نبود مثلاً جمیع
 ارباب منصب و ما مورین که بودند در ساحت
 اقدس خاضع و خاشع بودند و جمیع زائرین
 احباب مشاهده عیانا مینمودند که بعضی از
 امرا ملکه و سگریه نهایت التماس مینمودند که
 مشرف شوند قبول نمیفرمودند . متصرف عکا
 مصطفی ضیا پاشا خواست پنج دقیقه مشرف
 شود قبول نشد . فرمان پادشاهی این بود که
 جمال مبارک در اطاقی مسجون باشند و اگر نفسی
 بخوهد بحضور مبارک مشرف شود حتی
 متعلقین مبارک ، نگذارند . و در نهایت مواظبت
 باشند که مبادا نفسی حضور رود در همچو
 وقتی مسافر خانه برپا بود و خیمه مبارک در کوه
 کرمل برپا و مسافری از شرق و غرب میآمدند
 باوجودیکه حکم پادشاهی این بود ولی ابداً
 بحکم پادشاه بتضیق حکومت اعتنا نمیفرمودند .
 در سجن بودند . اما کل خاضع بودند بحسب
 ظاهر محکوم بودند اما بحقیقت حاکم . بحسب
 ظاهر مسجون بودند ولی در نهایت عزت .
 مختصر اینست که جمال مبارک امرش را در زیر
 حکم زنجیر بلند نمود . این برهانست که کسی
 نمیتواند انکار کند . هر نفسی را سرگسون
 مینمودند زار و زبون میشد . معدوم میشد .
 ولی جمال مبارک را سرگونی سبب علو امر شد
 و هر نفسی را مسجون میکنند سبب اضمحلال
 اوست . اما مسجون جمال مبارک سبب
 استقلال او شد . هر نفسی را بر او جمهور
 هجوم میکنند معدوم میشود . لکن جمهور
 جمهور بر جمال مبارک سبب اشراق نور گشت .
 انوارش ساطع شد . ایاتش لامع گشت . حجتش
 کامل شد . برهانش واضح و لامع گردید .
 حضرت به الله در عهد اعلی قیام به

نصرت امر حضرت اعلی فرمودند و در سنه نسه از
ظهور در حالیکه باجمعی از مومنین در سیاه
چال طهران بانهایت مظلومیت اسیر غل و زنجیر
اعدا بودند مرحله اولی تجلیات انوار الهی
بر قلب مصفای آن حضرت که بسنه تسع بشارت
داده شده بود تحقق یافت و اساس سعادت
آتیه عالم بشریت باراده الهی در آن امکان
انتسن اظلم پایه گذاری شد .

ابیات مبارک که معروف به رشح عماست
از قلم معجز شمیم آن حضرت در آن ایام نازل
گشته و به تلویحی ابلغ از تصریح به تجلی انوار
الهی اشاره میفرمایند . قوله الاحلی :

رشح عما از جذبه ما میریزد
سر وفا از نغمه ما میریزد
از باد صبا مشک ختاگشته پدید
این نغمه خوش از جمده ما میریزد
بحر خفا از موج لقا کرده ظهور
وین طرفه عطا از جذبه ما میریزد
نقره ناقوری جذبه لاهوتی
این هرد و زیک نغمه از جو سما میریزد
دور انا هو از چهره ما کرده ظهور
کور هو هو از طغه ما میریزد
یوم خدا از جلوه رب شد کامل
این نقر حدیث از غنه ما میریزد

الی آخر

پس از خاتمه دوران چهار ماهه سجن
طهران فرمان تبعید آن حضرت از ایران
بخارج صادر گردید و آن حضرت باجمعی از
عائله مبارکه و همراهان بطرف بغداد حرکت
فرمودند . این نغمی و تبعید آن حضرت فصل
جدیدی در تاریخ قرن اول بهائی باز نمود که
پرحادثه ترین لحظات در تاریخ ادیان عالم

محسوب گردید . موکب مبارک پس از سه ماه
طی طریق در تاریخ ۲۸ جمادی الثانی از سال
۱۲۶۹ مطابق با ۸ آوریل سال ۱۸۵۳ به
بغداد ورود فرمودند و بعد از چند روز به
کاظمین تشریف بردند ولی نماینده ایسران از
حضور مبارک تقاضا نمود که بغداد را برای اقامت
دائمی اختیار فرمایند لذا بعد از یکماه یعنی
اواخر ماه رجب از سال ۱۲۶۹ به بیت حاجیعلی
مدر در یکی از محلات قدیم بغداد که اجازه
فرمودند با عائله مبارکه و همراهان منتقل
گردیده و بعداً بمنزل سلیمان فنام واقع در
محله کرخ که معروف به منزل میرزاموسی بابی
بود نقل مکان فرمودند و این منزل بعداً بسر
حسب خواهش جناب میرزاموسی صاحب منزل
فرزند حاج میرزاهادی جواهری که از قلم اعلی
به حرف البقا ملقب گردید به تملك آن حضرت
درآمده و به بیت الله الاعظم و زیارتگاه اهل
بها منصوص گردید .

در تمام مدت اقامت در عراق تا موقع
سرگونی باسلامبول باستثنای ایام دو ساله
هجرت بسلیمانیه و اعتکاف در کوه سرگلو
در مدینه الله بغداد تشریف دادند کینه
بدرالسلام ملقب گشته و در آیات قرآنی اشاره
باین مدینه منوره گردیده است .

از افق همین مدینه منوره است که انوار
قدرت و جلال الهی ساطع گردید و امرالله که
سراجش خاموش و اصول و مبادیش از اذهان
فراموش شده بود حیات تازه یافت و انهار
معارف الهیه به نزول اثار قلعی آن وجود
مبارک مانند غیث هاطل قلوب و ارواح را زنده
و نشاء جدید بخشید مانند کتاب مستطاب
ایقان در جواب سئوالات جناب حاج سید محمد
خال اکبر و مجموعه جواهراسای کلمات مبارکه

النعوشة في اصابعهم انه طو
المشتر والعليم بكب الارحال
ويده صافي السموات والارض
وساينها وكان الله بكل شئ
علما ولله وفاء الله ملك
السموات والارض وما بينهما
وكان الله على كل شئ قديرا
هنا ما نقل من قبل وشاذي
نقطة البيان ويقول بالعبودية

استلوا ما يفتكم في امر الله و
سلطانة قد فتح باب الفصل
على من في السموات والارض
ان عنة الشهور وشعبه عشرها
في كتاب الله قد زين اولها
الاسم لهم على العالمين قد
حكيم الله في الاموات في الآل
والاخبار المبتدئة والاختساب
القضايا الطمينة ووضع العزائم
المنيرة

صفحات از كتاب مستطاب اقدس

مکتونه فارسی و عربی که جوهر تعالیم انبیاء الهی است و رساله هفت وادی در بیان رموز و اسرار عرفانی در جواب سئوالات شیخ محی الدین قاضی خانقین و رساله چهارم وادی که بافتخار شیخ عبد الوحمن کرکوکي نازل گردید و لوح مبارک جواهر الاسرار و لوح مبارک ملاح القدس و لوح مبارک در تفسیر حروف مقطعه قرآن بافتخار میرزا آقا رکا بساز شیرازی و الواح و آثار مبارکه دیگر که نشر و انتشار آن آثار ثمینه باعث انتشار امر حضرت باب و تقویت روح ایمان و ایقان و تهذیب اخلاق پیروان آئین جدید میگردد .

ظهور و بروز اینگونه آثار که عظمت و جلال آن حضرت را بیش از پیش در انظار جلوه گستر میساخت و توجه عامه مردم از هر طبقه بیساحت اقدس آن حضرت سبب بروز کینه و بغض در صدور اعدا از شیعه و سنی گردیده و ورود شیخ عبد الحسین مجتهد معروف جهت تعمیر بقاع متبرکه به اعتبار و ملاحظه این شور و نشور و انجذابات عموم خلق سبب تشدید امر و تحریک تعصبات جاهلانه عوام گردید و بامیرزا بزرگ خان قونسول ایران در بغداد به ضدیت و مخالفت آن حضرت همت گماشتند و آنقدر کوشیدند تا بدستورات اکیده ناصرالدین شاه و وزیر خارجه حاج میرزا حسین خان سپهسالار نمایندگی ایران در دربار عثمانی موفق گردید که موافقت سلطان عثمانی را نسبت بان انتقال حضرت بهایه الله و همراهان باسلامبول بدست آورد .

نامق پاشا نامه عالی پاشا صدراعظم عثمانی را بوسیله منشی خود بنظر مبارک رسانید و آنحضرت حاضر برای عزیمت باسلامبول گردیدند .

باغ نجیبیه روز ۲۱ اپریل از سال ۱۸۶۳ در هنگام حرکت از بغداد محل نزول اجلال

آن حضرت قرار گرفت و مدت دوازده روز در آن محل مصفا اقامت فرموده و جمع زیادی از پیار و اغیار بحضور مبارک مشرف گشته و هر یک بنحوی اخلاص و ارادت و تعلق قلبی خود را بآن مظهر ذوالجلال ابراز داشتند . در این ایام است که مرحله ثانی از اظهار امر مبارک تحقق یافت و ابواب لطف و عنایت الهی بار دیگر بوجه اهل عالم مفتوح گردید .

و این ایام دوازده روزه بنام عید اعظم رضوان . عید گل شهرت یافته بیش از پیش عظمت امر الهی ظاهر و مقام موعود بیان و حضرت من یظهره الله بقیام آن حضرت پرده از وجه خود بگشود و مصداق بیان حضرت اعلی راجع به (رضوان) که فرمود " و ان تمن علی بلقائك فی الرضوان و نجاتك فی دار السلام " تحقق پذیرفت . جناب عند لیب در توصیف این عید اعظم

چنین سرودهاست :

سحر نسیم صبا مزده داد امکان را
 که عید رضوان خوش تازه میکند جانرا
 نسیم جنت برخاست بوی مشک و زبید
 مگر بفضل گشودند باب رضوان را
 ز مصر باغ عیان شد جمال یوسف گل
 بگو بشهر دهد مزده پیر کعبان را
 ز شاخ هر شجری بر فروخت آتش طور
 خبر دهید از این قصه پور عمران را
 ز چشم کوه ببارید بسکه گریه شوق
 بکرد غیرت جیحون و دجله دامان را
 بصد شکوه بر افراشت میر جیش بهار
 بسان رایت منصور سرو بستان را
 خزان دواسبه بملک عدم نمود فسرار
 بهار کرد مسخر فضای کههان را
 تمام مرغان در باغ بسته صف گوئی
 فکند باد درو مسند سلیمان را

١٨٧
فدمصم عليكم شرب الأيون
أنا خي شام عن ذلك خبا عليها
في الكتاب والذي شربته آله
حتى اتوا أيتها باط
الآية

١٨٤
أنا الله بينكم ما ينصركم وينصمكم
عن دوزكم أنه هو الانفصال الصليم
الخير هنا سبب الأنا واليوم
فعلوت والعداء الكبري الأنا
والآند من لو انتم تشمرون أنا
جلنا الأبرين علا بن بلو
العام الأول وهو الأنا الأنا
تزننا في الواح أخرى والثاد
تزل في هذا الأنا البديع
وغير

مفاتيح از كتاب مستطاب القديس

کشید دست صبا پرده تاز چهره گل
درید پرده طاقت هزار دستان را
بیا که خیمه بیستان ز نیم و یاده کشیم
که عید گل شده ظاهر بهل شبستان را

ورود مبارک بشهر اسلامبول که در آنزمان پایتخت امپراطوری عظیم عثمانی بود در اول ماه ربیع الاول از سال ۱۲۸۰ مطابق با ۱۶ اوت از سال ۱۸۶۳ میباشد. مدت توقف همگی مبارک و همراهان در این شهر چهار ماه بطول انجامید تا دستور دولت مجدداً صادر شد که از اسلامبول بادرنه تشریف ببرند. با آنکه در این مورد و موارد دیگر سفیر ایران حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله طبق دستور اکید ناصرالدین شاه نهایت سعی و کوشش را برای تبعید و حرکت آن حضرت بکار برد ولی طرز سلوک و رفتار حضرت بهالله با ما مورین دولت و سایر نفوس بطوری توأم با استغناء طبع و بزرگواری بود که سفیر مشارالیه همه جا زبان بتحریف و تمجید گشوده و نزد اولیای امور ایران منصفانه محامد اطوار و محاسن صفات و اخلاق مبارک را ستوده و سخنان افترا آمیز معاندین را تکذیب نموده رفع سوء تفاهات را نمود. در هر حال هنوز پیش از چهار ماه از ورود مبارک و همراهان با اسلامبول نگذشته بود که در اثر تاکیدهات مستمر حکومت ناصرالدین شاه به سفیر ایران در اسلامبول که موجبات کدورت اولیای امور رانسبت بآن حضرت فراهم سازد فرمان ظالمانه‌ئی از طرف سلطان عبدالعزیز صادر گردید که آن حضرت و همراهان را در حبس و محبوسه سرمای زمستان بارض سر (ادرنه) تبعید نمایند در این مورد است که اولین لوح مبارک متضمن خطابات قهرآمیز از قلم مبارک نازل و توسط شمس بیگ میهماندار بجهت

عالی پاشا صدراعظم عثمانی ارسال فرمودند. حرکت مبارک از اسلامبول بادرنه بانهایت سختی و مشقت واقع گردید. و مدت چهار سال و هشت ماه و بیست و دو روز توقف مبارک در این محل بطول انجامید و در این شهر قضایا و وقایعی رخ داد که سبب شهرت و عظمت امر مبارک و شرمساری ناقضین و مخالفین گردید. از آن جمله موضوع تقاضای مبالغه است که از طرف ناقضین بعمل آمد و آن حضرت قبول فرموده و تا مدت سه روز در وقت معین به مسجد سلطان سلیم تشریف بردند ولی آنها حاضر نشده و عجزشان ظاهر گردید. در این ایام مرحله سوم اظهار امر مبارک بوسیله نزول الواح خطاب به سلاطین و امرا و دعوت آنان باطاعت از اوامر الهی و ترک جنگ و جدال پرده از رخ بگشود و پیش از پیش اثار عظمت و جلال آن حضرت آشکار و عیان گردید بطوریکه توقف و سکون آن حضرت را در آن محل پیش وایان قوم جایز نشمرده آنقدر اصرار و پافشاری نمودند تا آن حضرت و عائله مبارکه و همراهان بشهر عکا که خراب‌ترین بلاد و بد آب و هوایترین نقاط ارض بود انتقال داده شد و دستور اکید و فرمان سخت پادشاهی صادر شد که آنحضرت و همراهان را در زندان آن شهر که قلعه‌ئی بنام قشله عسگریه بود جای داده مراقبت سخت بعمل آورند که با اخدی ملاقات ننمایند. و در آن حضرت و همراهان بشهر عکا روز دوازدهم جمادی الاولی از سال ۱۲۸۵ مطابق با ۳۱ اوت از سال ۱۸۶۸ میلادی است.

حضرت عبدالبها ارواحنا لرمسه الاظهر
فدا کیفیت ورود به عکا و احوال همراهان را
چنین بیان میفرمایند:
"و قتیکه وارد عکا شدیم در چنان مصیبتی

که جمیع در زحمت و بلا بودیم لذت و سروری داشتیم که بگفتن نباید وقتی هفتاد نفر اصحاب در قلعه محبوس بودند همه مبتلای تب شدند بد رجعتی که هیچیک قادر بر حرکت نبود الا من و آقا رضا که مشغول پرستاری احباب و تهیه دوا و شورها بودیم اتفاقاً منزل من هم در اطاقی واقع که فرش آن از سنگ بود و بسیار رطوبت داشت و آن اطاق را بجهت غسالخانه ساخته بودند با آن حالت ابتلا در ظل حضرت بهاء الله چنان سرور بودیم که هر زحمتی را راحت میدانستیم.

در ایام سجن عدّه‌ئی از احبابی ستم دیده ایران رنج سفر را تحمل نموده و اکثر پای پیاده خود را به عکا میرساندند ولی از ورود ممنوع و از زیارت محروم بودند فقط از کنار خاکریز خندق از دور زیارت جمال بیمثال آن حضرت و اشاره دست که از پشت میله‌های آهنین پنجره اطاق مبارک نمودار بود قناعت نموده با و طمان خود باز میگشتند و خود را برای فداکاری و جان نثاری حاضر و آماده مینمودند. از جمله نفوس مهمه‌ئی که در آن ایام پرآلام در سال ۱۲۸۶ - مشرف گردید جناب میرزا بزرگ خراسانی فرزند جناب حاج عبدالمجید نیشابوری بقیه السیف اصحاب قلعه بود. او جوانی بود در سن هفده سالگی و با استحضار از مخاطراتی که در پیش بود بطیب خاطر قبول رسالت لوح مبارک خطاب بناصرالدین شاه را نمود و با شور و انجذابی بی نظیر بسمت ایران عزیزت نموده در نیاوران بدست خود لوح مبارک را بشاه تسلیم نمود و بدستور شاه او را بحبس انداخته و بشکنجه و عذاب او پرداختند و هر دم که میرفضیلهای برشکنجه‌های گوناگون میافزودند از او جز تسلیم و رضا و شکر باستان الهی کلمه‌ئی

نشنیدند و آثار بشاشت و مسرت از چهره او آشکار میدیدند و این بر تعجب و شگفتی دژخیمان میافزود تا آنکه روح مقدسش بعد از سه روز تحمل آن همه رنج و عذاب از قفس تن رهائی یافت. یکی از حوادث غم انگیزی که در ایام سجن واقع شد و سبب تاثر شدید خاطر مبارک و عائله مبارک و همراهان گردید واقعه شهادت حضرت غصن اطهر است که در سن ۲۲ سالگی در حین مشی و خرام بر بام قشله و تلاوت آیات و مناجات ناگهان از بام بزیرافتاده و پس از بیست و دو ساعت روح مقدسش بعالم الهی پرواز نمود. این حادثه موجب حزن و اندوه جمیع از یار و اعتبار گردید و این شهادت سبب شد که باب‌لقا بر وجه اهل بها مفتوح و تضییقات سجن تخفیف یافت زیرا پس از چهار ماه که از این فاجعه عظمی گذشت چون محل قشله مسود احتیاج عساکر ترک واقع گردید ما مورین دولت مقرر داشتند که حضرت بهاء الله و همراهان پس از مدت دو سال و دو ماه و پنج روز در سال ۱۲۸۷ از سجن اعظم قدم بیرون گذارند و در محل دیگر منزل اختیار نمایند لذا پس از تغییر چند منزل که اقامت مختصری فرمودند عاقبت در بیت عبودی خمار آن حضرت و عائله مبارک استقرار یافتند ولی محل گنجایش آن جمعیت را نداشت لذا بقیه اصحاب در منازل دیگر و جمعی هم در کاروانسرای که به خان عوامیه نامیده میشد منتقل گردیدند. در بیت عبودی خمار که به بیت عبود معروف است در حجره‌ئی که واقع در ضلع شرقی آنست و اختصاص بسکونت حضرت بهاء الله داشت در سال ۱۸۷۳ کتاب مستطاب اقدس. ام الكتاب از سما مشیت الهی نازل گردیده است که اهل بها و راکبین سفینه حمرا اکنون در جمیع جهان بمناسبت

گذشتن يك قرن از نزول این كتاب الهی بسه
 انعقاد جلسات جشن و سرور پردازد اخته اند .
 حضرت ولی عزیزا مرالله در كتاب گاد پاسز
 بای که در سال ۱۹۴۴ از قلم مبارك آن حضرت
 شرفصدور یافته در باره عظمت مقام و موقعیت این
 كتاب مستطاب چنین میفرمایند :
 " كتاب اقدس پس از انتقال جمال اقدس
 الهی به بیت عودی خمار (در سال ۱۸۷۳
 میلادی) در ایامی که هنوز آن وجود مبارك از
 طرف دشمنان خارج و دوستان داخل هر دو
 بمصائب بی منتهی محاط و گرفتار از سما مشیت
 رحمانیه نازل گردیده است . این سفر کریم و
 مخزن لثالی الهیه و منبع فیوضات سبحانیه نظر
 بوضع اصول و تعالیم منیع و تاسیس موسسات
 بدیعه و تعیین وظائف مقدسه مرجوعه بجانشین
 شارع قدیر در بین صحف و اسفار سماویسه
 بی نظیر و مثیل عهد پهل است . زیرا برخلاف
 تورات و سایر زیر الهیه که قبل از آن كتاب نازل
 و در هیچیک اوامر و دستورات شارع شریعت و
 حامل رسالت ربانیه به نحوی که خود بیان
 فرموده مدون و مسطور نیست و برخلاف انجیل
 که در آن کلمات و بیانات معدودی که بحضرت
 مسیح نسبت داده شده هیچیک حائز دستور
 صریح و روشنی نسبت بطرز اداره امور آتیه آن
 دیانت نمیشد و حتی برخلاف قرآن که با وجود
 صراحت و قطعیت احکام و حدود منزلت از لسان
 پیغمبر اکرم در مسئله خطیر و مهم خلافت ساکت
 و صامت باقیمانده ، كتاب مستطاب اقدس من
 الهدی الی الختم از قلم شارع مقدس ایمن دور
 اعظم تنظیم و تدوین گشته و این سفر قویم نه تنها
 شامل احکام و قواعد و حدود و فرائضی است که
 نظم بدیع الهی بر آن قائم و موسس است بلکه
 وظیفه مقدسه تبیین و تفسیر آیات را که بمرجع

منصوص و مبین مخصوص محول گردیده . همچنین
 موسسات ضروریهائی را که حافظ وحدت و جامعیت
 امر الهی است تعیین و تنصیب مینماید .
 در این منشور مدنیته جهانی موسس و واضع
 مقدس که باوصاف و القاب (قاضی القضاة) و
 (شارع اعظم) و " منجی و متحد کننده عالم "
 موسوم و موصوف تاسیس (ناموس اکبر) را بملوك
 و سلاطین ارض ابلاغ و آنانرا ملوك و خود را
 ملك الملوك میخواند و بصراحت بیان اعلان
 میفرماید که حق جل جلاله اراده تصرف ممالک
 آنها را نداشته بلکه برای تقلیب نفوس و تسخیر
 مدائن قلوب ظاهر شده است و علما و روسای
 ادیان را تحذیر میفرماید که كتاب الله را با
 اصول و موازین مصطلحه قوم قیاس ننمایند و در
 شأن آن میفرماید انه لقسطاس الحق بین -
 الخلق " و در آن سفر کریم موسسه عظیم الشان
 " بیت العدل " را انشا و وظائف مخصوصه آنرا
 تعیین و واردات آنرا مشخص و اعضاء آنرا
 بعنوان " رجال عدل " و (وكلاء الله) و
 " امناء الرحمن " تسمیه میفرماید و همچنین مقرر
 امر و مرکز عهد و پیمان خویش را تلویحا تعیین
 و اختیار تبیین آیات و تفسیر کلمات كتاب را بفرع
 منشعب از اصل قدیم مفوض مینماید و نیز موسسه
 ولایت امر را با اشاره ضمنی پیش بینی و قسوه
 نافذ و دافعه نظم بدیعش را تبشیر و مقام عظیم
 و منبع " عصمت کبری " را توضیح و اختصاص
 و تعلق آنرا بمظاهر مقدسه الهیه تشریح و عدم
 امکان ظهور مظهر امر و شارع جدیدی را قبل از
 اتمام الف سنه کامله تصریح میفرماید در این
 كتاب مقدس قلم اعلی صوم و صلوه را واجب و حکم
 نماز جماعت را جز در صلوه میت مرتفع و قبله اهل
 بها را تعیین حقوق الله و احکام ارث را تشریح
 و موسسه مشرق الانکار را تثبیت و ضیافات نوزده

روزه را مقرر واقامه ضیافت و اطعام را در ایام زائده که به ایام ها مذکور و موصوف گردیده تنصیف میفرماید . و نیز پیشوائی و ریاست روحانی را نسخ و حمل ریاضات و انزوا و ارتقاء بر منابر و اقرار بمعاصی نزد خلق رانهی و بیع اسامه و غلمان و تکدی و تقبیل ایادی و غیبت و افترا و میسر و شرب افیون و خمر و سایر مسکرات را حرام میفرماید . بطالت و کسالت را سرود و طلاق را مذموم و آزار و تحمیل بر حیوان را منکر می شمارد . احکام قتل نفس و حرق بیست و ارتکاب فحشا و سرقت را تعیین و امر از واج را تشویق و اصول و شرایط آنرا تعیین و اقتناع بزوجه واحد را تصریح میفرماید . اشتغال بکسب و کار و صنعت و اقتصراف را واجب و آن را نفس عبادت پروردگار محسوب میدارد . لزوم تربیت و تعلیم اولاد همچنین تنظیم وصیت نامه و اطاعت محضه حکومت مشیوعه را تاکید مینماید .

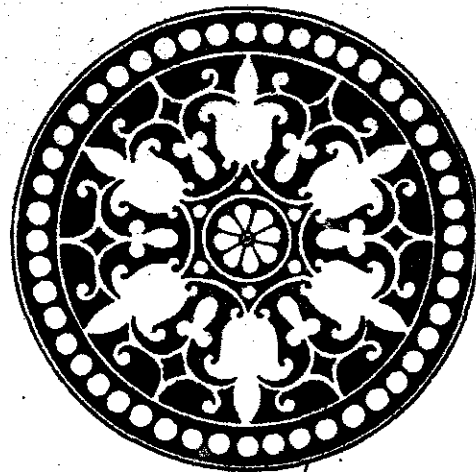
علاوه بر احکام و فرائض مذکوره حضرت بها^ه الله در این سفر کرم بهروان امر بدیع را بنصایح الهیه و مواظقت و حکم ربانیه دعوت میفرماید که با جمیع اهل ادیان بکمال روح و ریحان معاشرت نمایند . تعصب و فساد و نزاع و جدال و فرور و استکبار را منع و به تقوی و طهارت و عفت و امانت و صدق و صفا و مهر و وفا و صبر و اضطبار و عدل و انصاف دلالت و نصیحت میفرماید و اهل بهارا باین کلمه مبارکه علیها که از مخزن قلم اعلی نازل هدایت میفرماید که کونوا کا الا صابغ فی الید و الارکان للیبسدن و همچنین بقیام برخد مت امر و ارتفاع شریعه مقدسه الهیه تشویق و آنان را به نصرت محتومه رحمانیه مطمئن و مستظهر مینماید بانقلاب امور اشاره نموده و حریت حقیقی را در اتعزاز و اتساع سنن و اوامر ربانی می شمارد و

نصیحت میفرماید که در اجرای حدود و مقررات الهیه آنان را راهت اخذ ننمایند و مقدم بر کل د و وظیفه اصلیه و فریضه اساسیه را که عرفان مشرق وحی و مطلع امر الهی و اتساع از حدود و احکام مقدسه بزدانی است تصریح و بنهایت تاکید اعلام میفرماید که این دواصل اصیل پیوسته ملازم یکدیگر بوده و هیچیک از آن دودنی دیگری در مساحت قدس الهی مدوح و مقبول نیست لا یقبل احد همدون الاخر .

دیگر از مسائل مهمه و حقائق بدیهه مندرجه در این سفر جللیل خطابات منیعافست که به روسای جماهیر قاره امریک صادر شده و در آن خطابات شارح قدیر آنان را دعوت میفرماید که بوم الله را مفتنم شمارند و هیکل ملک را بطراز عدل مزین دارند و نیز اعضا^ه مجالس شور عالم را تعلیم میفرماید که بک لسان و خط عمومی اختیار کنند و بپلهم اول امیرا طور فاتح و غالب آلمان را از فرور و نخوت تحذیر و فرانسوا ژوزف امیرا طور اطریش را بخلقت و فتور خویش متوجه میفرماید . به چنین برلین اشاره نموده و شواطی نهر رین را بانذارات شد بیده مخاطب میسازد . با استقرار کرسی ظلم در مدینه کبیره و فنا^ه زینت ظاهره و محن و بلا یائی کسه سگان آنرا احاطه خواهد کرد اخبار مینماید . ارض طاه^ه مولد جمال اقدس الهی را بخطاب روح بخش و تسلیم آمیز با ارض الطاه^ه لا تحزنی من شی^ه قد جعلک الله مطلع فرج العالمین . مستبشر و امید وار میفرماید . به صوت رجبال خراسان در ذکر خداوند رحمن و ظهور اصحاب بها^ه س شددید در ارض کرمان که با ارتفاع امر الهی در آن سرزمین قیام خواهند نمود و حد میفرماید و بصرف فضل و عطا برادر بیوفائی را که چنان ظلم و عدوان در حق آن جوهر نبیبت و وفا

پسندیده مطمئن میسازد که اگر چنانچه از غرور و استکبار بگذرد و بساحت قدس الهی رجوع و استغفار نماید خداوند غفور و کریم از سیئات او درگذرد و مشمول عفو و مغفرت خویش نماید . این مسائل و حقائق مندرجات کتاب مقدس را که از قلم شارع عظیم بالقاب فخیمه (فرات الرحمه) و (قسطاس الهدی) و (صراط الاقوم) و (حیوه العالم) ملقب و موصوف گردیده است تکمیل مینماید جمال اقدس الهی احکام و حدود الهیه را که مشتمل بر قسمت اعظم این کتاب مبین است بنسبت روح الحیوان لمن فی الامکان و (حصن حصین) و اثمار سدره امرالله و (السبب الاعظم لنظم العالم و حفظ الامم) و (مصباح الحکمه و الفلاح) و (عرف قمیه) و (مفاتیح رحمت الهی برای عباد) تعبیر و توصیف فرموده است و نیز در شان این صحیفه علیا میفرماید (قل ان الكتاب هو سماء قد زینها بانجم - الاوامر والنواهی) و همچنین (طوبی از برای

نفسیکه انرا تلاوت نماید و در آیات منزله از ساحت خداوند مقتدر کریم تأمل و تدبر کند . بگوای مردمان بید قبول آنرا اخذ نمائید قسم بجانم که این کتاب بشانهی نازل شده کسب عقول انسانی را متحیر نماید این است اعظم گواه من برای اهل عالم واقوی دلیل خداوند رحیم برای من فی السموات والارضین) و نیز میفرماید : (خوشحال زانقشهی که حلاوت آنرا درک نماید و دیدهی که اصرار مودعه در آنرا مشاهده کند و قلبی که اشارات و رموز آنرا بیابد . قسم بخدا بیانات منیع و اشارات مستوره آن بدرجهی عظیم است که فرائض عالم از تفصیل و تشریح آن مرتعش و مرتعد گردد . و بالاخره میفرماید " کتاب اقدس بشانهی نازل شده که جاذب و جامع جمیع شرائع الهیه است طوبی للقارئین طوبی للمعارفین طوبی للمفکرین طوبی للمتفرسین و بانبساطی نازل شده که کل را قبل از اقبال احاطه نمود و سوف یظهر فی الارض سلطانه و نفوذ و اقتداره "



اخبار محمد نور

رضوان ۱۳۰ پدید - ارض اقدس



اعضای جدید بیت العدل اعظم الهی پس از انتخابات
از چپ به راست
ایان سمل - هیو جانس - چارلز ولکات - علی نجوانی
دیوید هوفمان - ایماز کیسون - دیوید روح - بورا
Ian Semple - Hugh Chance - Charles Wolcott - Ali Nakhjavani
David Hofman - Amoz Gibson - David Ruhe - Borrah Kavelin
Hushmand Fatheazam





حضرات اہل بیت و ائمہ عظام علیہم السلام هنگام زیارت بیت عبود
در مراسم جشن یکم من سال نزول کتاب مستطاب اللہ من

۲



حضرات ایلادی امرالله... اجزاء بہت تعدد اعظم... خانوادہ آنها و اصفاء ہیئت
مشاورین و ہیئت‌های معاونت در مقابل قصر مزینہ در ارض اقدس .



نمایندگان کانونشن بین الطلی (اعضای محافظ طیبه عالم) در حدائق
حول مقام اعلی در ارض اقدس .



بهنا سبت صد مین سال نزول کتاب مستطاب اقدس

عالم از نو گشت زیبا خیز و عالم را نگر
دیده بگشای و بهار سبز و خرم را نگر
بوستان بهجت افزای منظم را نگر
هر طرف سرو و گل پیچیده در هم را نگر
بزمهای شادی و عیش فراهم را نگر

شد زمین رشک بهشت از مقدم ارد بهشت
آفرین بادا بماه خرم ارد بهشت
جسم گیتی یافت جان باز از دم ارد ^{بهشت}
نام ابهی گشت نقش خاتم ارد بهشت
ایکه جوئی اسم اعظم نقش خاتم را نگر

بیرما چون منزل اندر خانه خمار کرد
خانه را امرش ز خمر معنوی سرشار کرد
این بهشت عدن فرزندان آدم را نگر
خانه را شمس جمالش غرق در انوار کرد
خانه را جنات تجری تحتها الانهار کرد

بیرماد رخانه خمار بار عام داد
جمله را از جام اقدس باده احکام داد
فیض این صهیای جانبخش دادم را نگر
ساقی آنجا - من بخاص و عام از یکجام داد
باهمین یکجام تسکین دو صد آلام داد

شکر ایزد کز خمار دیرگه رستم ما
ناشرین امر یزدانیم تا هستیم ما
از من صد ساله احکام حق مستیم ما
زانکه از روز الست این عهد را بستیم ما
امر مبرم را بهین عهد محکم را نگر

راستی تاثیر خون رب اعلیٰ را ببین
 حاصل رنج و بلاهای احبا را ببین
 پرتو خورشید عالمتاب ایهی را ببین
 خیره بر نور جمالش چشم دنیا را ببین
 جبهه سا پر آستانش اهل عالم را نگر

تا شناسی بعد از این راه خطارا از صواب
 تا دگر بکسان نیاید در نظر آب و سراب
 تا شود انگیزه جور و ستم نقش بر آب
 تا کند بر فرق ظالم ظلم را بنیان خراب
 کاخ کیوانسای بیت العدل اعظم را نگر

ما صف خود برخلاف مردم جنگی زدیم
 پشت پا بر اختلاف روسی و زنگی زدیم
 بر همه عالم صلاهی صلح و یکرنگی زدیم
 ما نه از خود ساز جانبخش هماهنگی زدیم
 ملهم این نغمه پردازان ملهم را نگر

حیف باشد گردانی قدر این ایام را
 یا بغفلت بگردانی صبح و ظهر و شام را
 ای خوش آنکو بیند از آثار کار انجام را
 فاضلا بر خیز و نه در راه خدمت گام را
 واندر این ره نیز یاران مصمم را نگر

از احمد نیکونژاد (فاضل)

